



در حادثه دیروز مسجد شاه گلوله نخست وزیر اصابت نکرد و هدر رفت و ضارب بعد از اینکه مشاهده کرد تیر اولش بخطر رفت و تیر دوم نیز در لوله اسلحه گیر کرد خشمگین شد و با نتیجه «مگسک» طپانچه یک خراش سطحی در پشت سر آقای علاء ایجاد نمود که هیچوجه موجب ناراحتی ایشان نشد بطوریکه صبح امروز بدون اینکه حتی جای زخم باند پیچ شده باشد نخست وزیر و همراهان به ایستگاه راه آهن رفتند و بسوی بغداد عزیمت نمودند.

ضارب نیز اکنون در لشکر ۴ زرهی تحت بازجویی است و نتیجه این بازجویی بزودی معلوم خواهد شد.

مظفر ذوالقدر ضارب نخست وزیر در زیر لباس خود گفن پوشیده و روی آن نوشته شده بود:

قطع ایادی اجانب و دشمنان اسلام و ایران (انگلیس-امریکا-روس) و لغو پیمان نظامی بغداد و قرارداد نفت

در ضمن با ررسی جیب ضارب کتاب مربوط بفدائیان اسلام و یک قبضه خنجر و مقداری پول خرد و اشیاء علای دیگر کشف شده است

روی گفنی که ضارب در زیر لباس پوشیده بود چند آیه از قرآن مجید با خط قرمز که شبیه خون بود نوشته شده بود و این شمارهها نظیر شمارههای جمعیت فدائیان اسلام است

نخست وزیر یکساعت بعد از حادثه به پیشگاه ملو گانه شرفیاب شد و در این شرفیابی شاهنشاه ضمن ابراز تأسف فرمودند:

اینگونه پیش آمدها و اتفاقات برای کسانی که مصمم هستند بشکورتان خدمت کنند هیچگونه اثری در روحیه آنها ندارد بلکه موجب می شود که آنها را برای رسیدن به هدف مقدشان راغب تر کند

گلوله ای که توسط ضارب بسوی سر نخست وزیر رها شد باو اصابت ننمود و گلوله دوم نیز در لوله گیر کرد

ضارب پارابلوم را بسوی سر علاء پرتاب کرد و با نتیجه بر اثر اصابت «مگسک» طپانچه پشت سر نخست وزیر یک خم سطحی ایجاد کرد که آرا پانسمان کردند و سه بخیه زدند

ساعت نه بعد از ظهر دیروز آقای علاء نخست وزیر از رادیو تهران پیامی برای ملت ایران فرستاد و گفت: بار دیگر حق بر ناحق غلبه کرد و خداوند مهربان مرا برای خدمت بیشتری بشکورتان بکشور ایران زنده نگهداشت

ذوالقدر ضارب نخست وزیر در فرمانداری نظامی وضو گرفت و نماز خواند و در جواب اینکه از او پرسیدند:

چرا اینکار را کردی؟ گفت: از طرف قرآن ماموریت داشتم

وقتی خانم و دختر آقای علاء وارد اتاق کار ایشان در نخست وزیری شدند و دیدند که علاء صحیح و سالم پشت میز نخست وزیری نشسته و مشغول کار است ناامان از فرط هیجان شروع بگریه کردند و پدر و دختر یکدیگر را در آغوش کشیدند

قبل از شرفیابی شاهنشاه نیم ساعت بعد از حادثه از کاخ سلطنتی بوسیله تلفن مدت پنج دقیقه با نخست وزیر مذاکره فرمودند



مظفر ذوالقدر ضارب

از گفتن تسلیم از مسجد خارج شوند. ولی دکتر امینی بعلت کافوروی معذرت خواست و گفت: «بنده میروم، شاید هم برگشتم» هنوز بای علاء بداخل شهبستان نرسیده بود که ناگهان صفر گلوله ای برخواست و همه متوجه علاء شدند که دستش را پس گرفته بود.

شروع تر نخست وزیر که ساعت یک و نیم بعد از ظهر ناهار را در منزل صرف کرده بود برای شرکت در مجلس ختم مسجد شاه و گفتن تسلیم به آیت الله کاشانی که مجلس ختم بنیاد در گذشت فرزند ایشان منعقد شده بود با همان اتومبیلی که معمولاً مورد استفاده ایشان است به مسجد شاه آمد و در مقابل بهای مسجد از اتومبیل پیاده شد و در حالیکه در دفتر بقیه در صفحه ۳

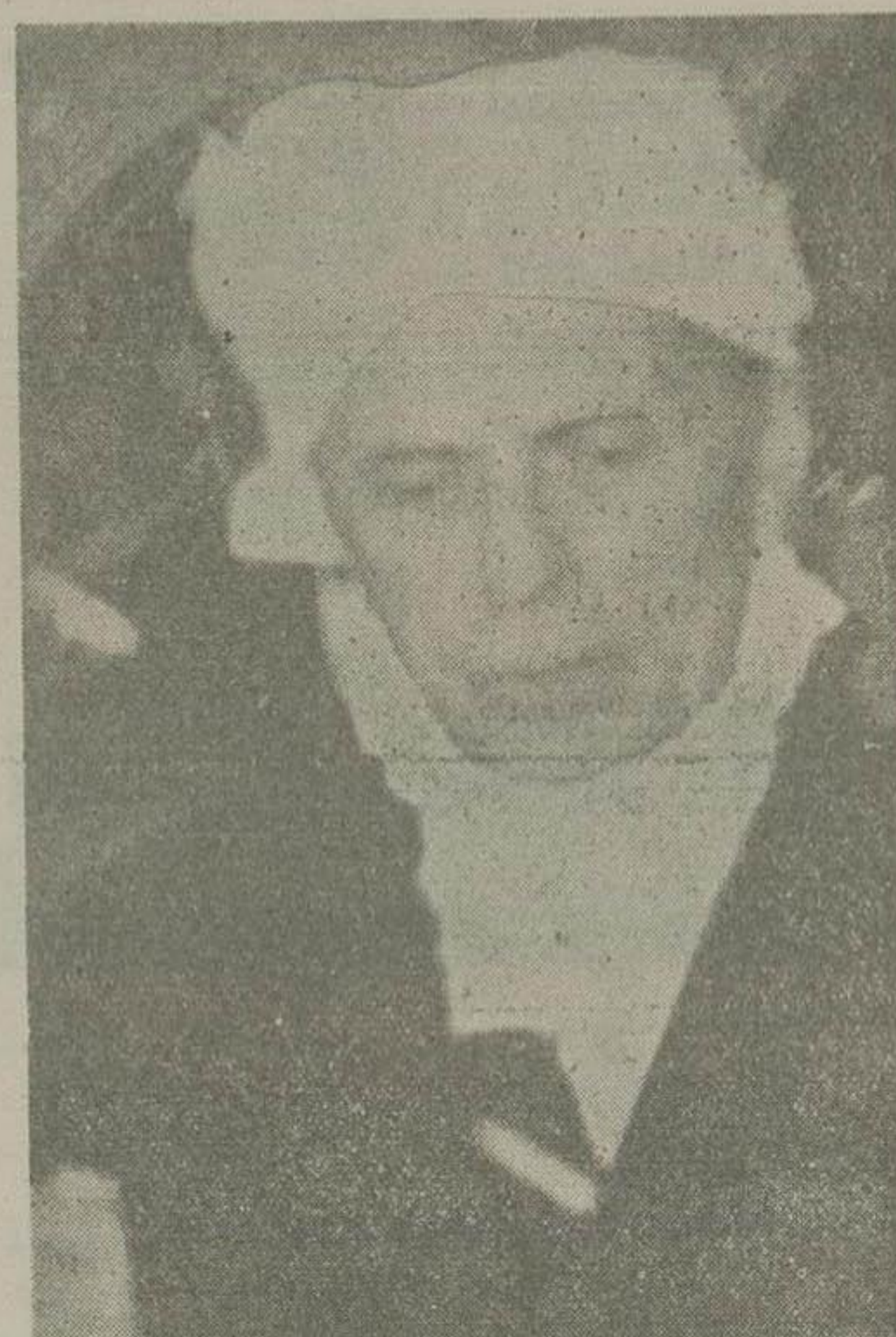
مجلس شاه در مجلس ختم سید مصطفی کاشانی شلیک شد و غیرتکار ما که شاهد جریان بوده چنین گزارش میدهد:

از دو ساعت بعد از ظهر امروز، بناسبت در گذشت مرحوم سید مصطفی کاشانی مجلس ترحیمی در مسجد شاه منعقد بود. تا ساعت سه و نیم بعد از ظهر بتدریج عده زیادی از وجوه اهالی با نیفت و رجال و نمایندگان مجلسین در شهبستان و صحن مسجد شاه اجتماع نمودند.

ساعت ۳ بعد از ظهر حضرت آیت الله کاشانی نیز در حالیکه عده ای اطراف ایشان را گرفته بودند بسجد آمدند.

خلاصه ای از فوق العاده

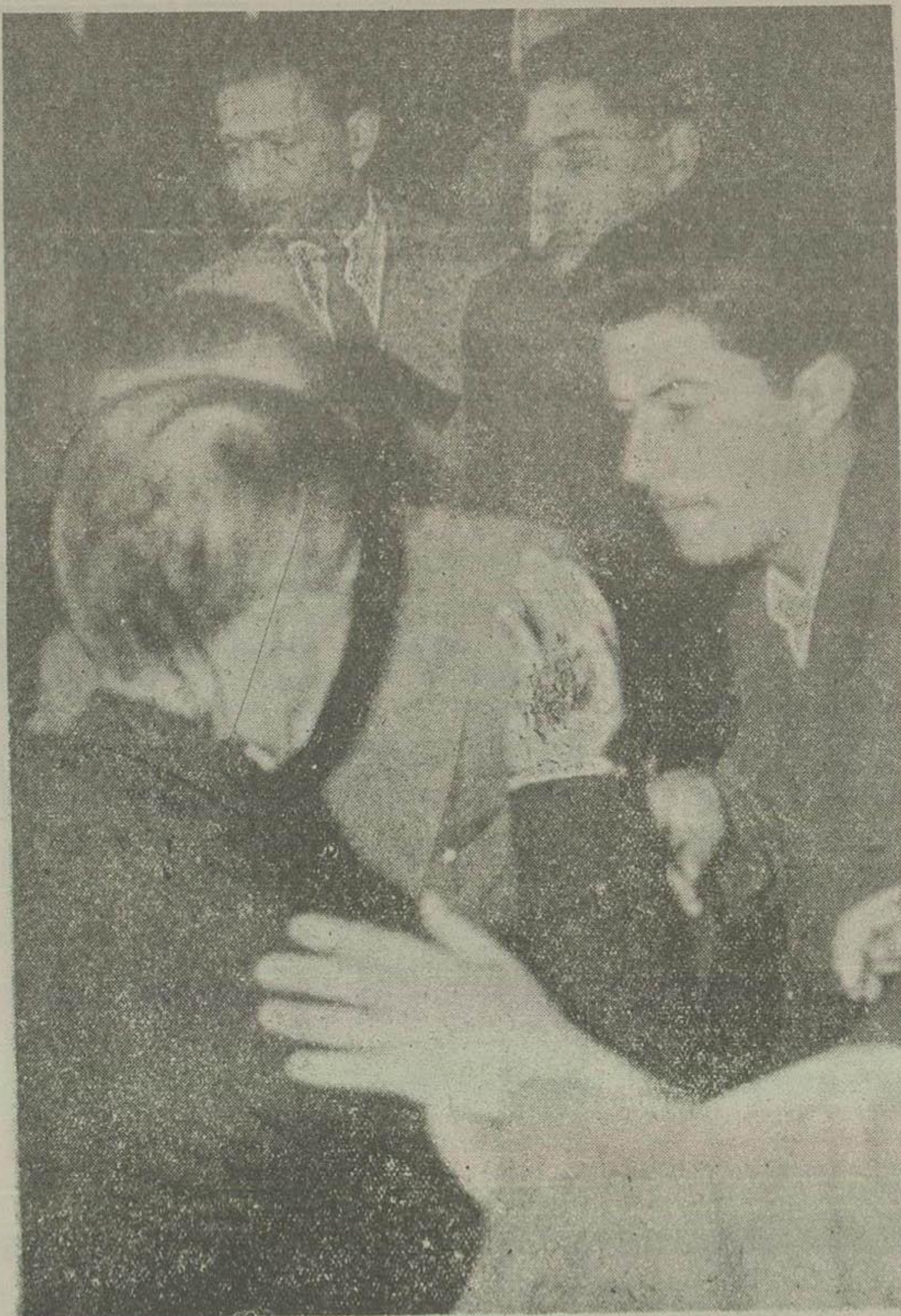
دیروز در چاپ دوم دیروز روزنامه اطلاعات که فقط در تهران انتشار یافت این خبر جلب توجه میکرد. ساعت سه و چهار دقیقه بعد از ظهر امروز بسوی آقای علاء نخست وزیر در



این عکس یک ربع ساعت بعد از حادثه یعنی پس از اینکه سر آقای علاء را در شهبستان بستند و سپس ایشان را بطرف بیمارستان حرکت دادند گرفته شده است

در چاپ دوم شماره دیشب روزنامه اطلاعات خبر سوء قصد علیه جان نخست وزیر، آقای حسین علاء و هم چنین خبر سلامت بودن ایشان و به خطا رفتن گلوله و به نتیجه نرسیدن سوء قصد را در ساعت هفت و ربع بعد از ظهر منتشر ساختم و بدین ترتیب روزنامه اطلاعات نخستین روزنامه ای بود که این خبر مهم و هیجان انگیز را در تهران منتشر ساخت.

هم چنین خبر نکار عکاس روزنامه اطلاعات تنها عکاسی بود که در دقیقه بعد از حادثه یعنی در ساعت سه و پنج و پنج دقیقه نخستین عکس را از نخست وزیر گرفت و نسخه های متعدد این عکس که بلافاصله بعد از انجام سوء قصد برداشته شد و نخست وزیر را باس باند پیچیده در مسجد شاه نشان میداد ظرف دیشب میرسانیم.



این عکس سه دقیقه بعد از شلیک گلوله وحله ضارب به آقای علاء توسط خبر نکار عکاس اطلاعات از فاصله یکتری در مسجد شاه گرفته شده و پشت سر نخست وزیر را که خونین است نشان میدهد. آقای علاء بملت اینکه دستش را بر سرش کشید انگشتانش خونین شده است

پیام نخست وزیر

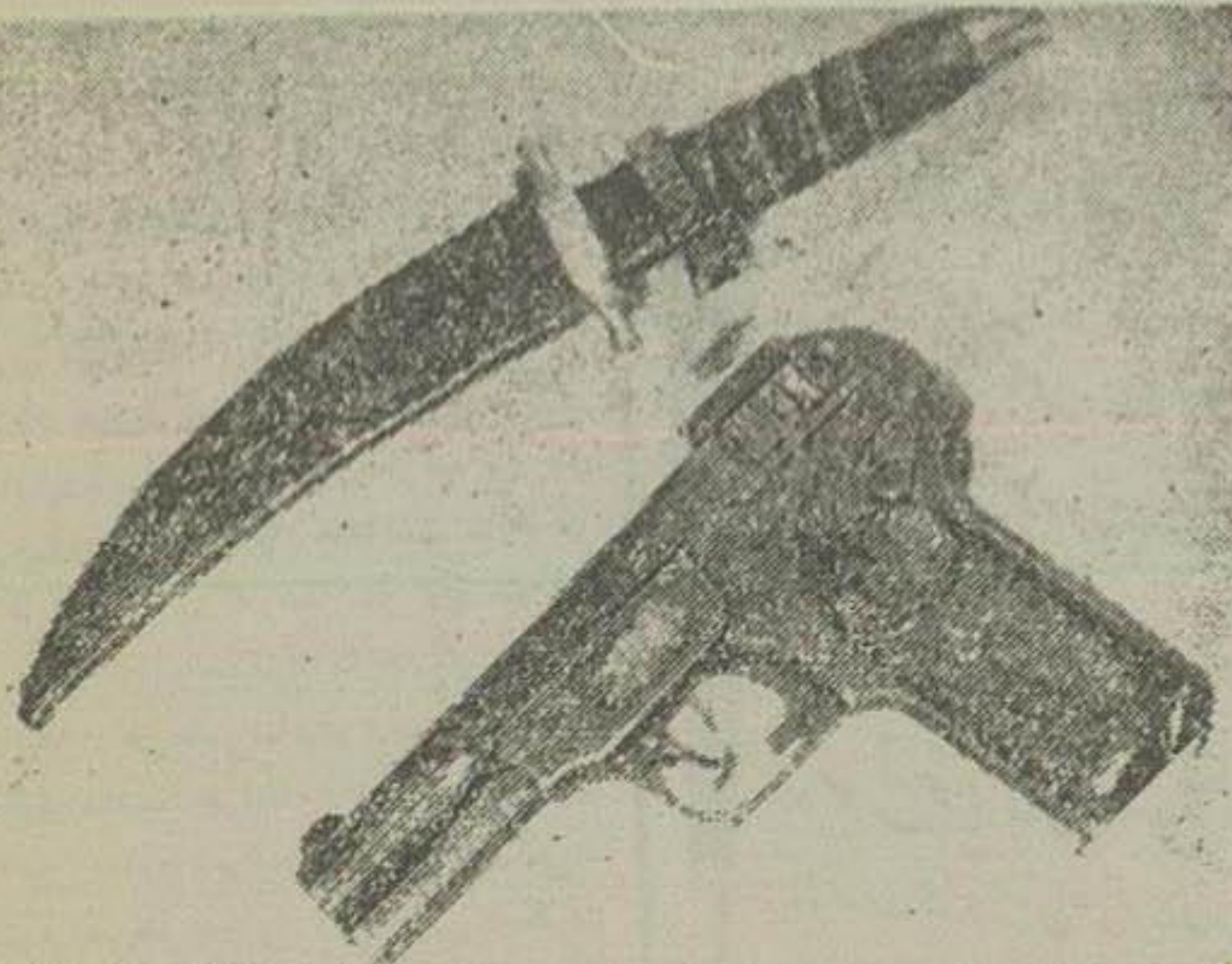
بملت ایران

که ساعت ۹ دیشب از رادیو تهران ایراد شد هم وطنان عزیز، درود بر شما، از احساسات محبت آمیز و توجهی که نسبت بنده ابراز داشته اید قلباً تشکر میکنم.

بار دیگر حق بر ناحق غلبه کرده است و خداوند مهربان اراده فرموده مرا زنده بدارد تا بهتر و بیشتر بتوانم بشما ملت نجیب و کشور عزیز ایران خدمت نمایم.

فردا صبح زود با مرا علی حضرت همایونی ببنداد رهیار خواهم بود تا حتی القوه و بیاری خداوند تعالی از حقوق شما دفاع بکنم و در شورای پیمان همکاری متقابل شرکت نمایم.

خدا حافظ شما، زنده باد شاهنامه محبوب ایران، جاوید باد ایران.



پارا بلوم و خنجر ضارب

چای جهان

کلانتران خالصصول ایران (فانوشان منوط و اصل و خارجی) (گروه کاروان خالصصول هندوستان)

انتقاد

هجرات ازدواج

میگفت ساعت هجرت صبح جمعه گذشته همسایه مادق الباب کرد. وقتی دروازه باز کرد گفت آقا اجازه میفرمایید از پشت بام شما بزنم بروم. البته او را تعارف کردیم و از پله های پشت بام بالا رفت و سرپشت بام خود رسید و در دروازه شکسته وارد شد.

من وارد کوچه شدم دیدم در خانه شان از بیرون قفل است. معلوم شد زن و فرزندش بتفریح جمعه اند.

اتفاقاً آن روز ظهر پسر عموهایم که در دانشکده ادبیات تحصیل میکنند همیان من بودند و منم جای شا خالی که درست کرده بودم با خود حساب کردم حالا که در خانه همسایه کسی نیست که بصاحبخانه غدا بدهد خوب است او را دعوت کنم و در ضمن صحبت با او برسانم که شبها از جنجال آنان و اغفالشان حال مطالعه ندارم. ساعت یازده و نیم به پشت بام رفته و ایشان را دعوت کردم و با کمال میل و خوشرویی پذیرفت. وقتی وارد شد و در اطاق با چند نفر جوان دانشجویان بودند بی اختیار آهی کشیدم و گفتم: آه! ای خوشا بجالتان کاش منم آن موقع که بن شب بودم با اندازه حالا چیز میفهمید و تجربه داشتم!

همین جمله سبب شد که بعضی از حضار گفتند آقا، ما آرزو میکنیم که زودتر این دوره منحوس تحصیلی تمام بشود و وارد اجتماع شویم اینهم شد زندگی که وقتتان را برای پختن کتف تلف میکنم. شما هنوز نیدانید وقتی شخصی بنوشی بیاید و غذایش حاضر و آماده باشد و خانه و زندگی داشته باشد چه لذتی میبرد.

آقای همسایه وقتی این جملات را که از ته قلب دانشجویان بیرون میآمد شنید مثل اشخاصیکه بحال یک فرد دیوانه یا مورد ترحم بخورند قیافه مهموم و متفکری بخود گرفته گفت: آقا جان! اگر من گفتم خوشبختان و آرزوی زندگی فلفلی شادان کردم برای این است که آزادید؛ برای این است که خانه و زندگی ندارید؛ و همیشه از همه برای این است که از شد داشتن عیال و اولاد راحتید و بالاخره شاهد فرشته اید ولی بدینسانه شاهم مثل من قدرش را ندانید. ای آقا، کاش آدم گدا باشد، خانه نداشته باشد، برهنه باشد ولی در این مملکت متاهل باشد.

من فوراً موقع را منتقم شدم گفتم: آقای تان در منزلتان زیاد جنجال است و حتی منم از جنجال آنها گاهی اوقات نمیتوانم درس بخوانم و نه بخوابم!

ولی او بدون اینکه بنظور من بیاید دگفت: نیدانم چه کتابی کرده بودم که بخیر از ازدواج اجتناب و بنا بپیه مصیبتی حرف مادم رامینتی بر اینکه چون این دختر از کلاس ۹ بیشتر تحصیل کرده است ببرد نیخورد نشنیدم و عروسی کردم؛ آقا خدا شاهد است از هفتسوم، زندگی من بیچشم تبدیل شد. مدتها زحمت کشیدم تا باو فها بدم که خانم جان زندگی سینهایی و آنچه در سینما میبینی حقیقت ندارد بفرشش نی- رفت و گاهی اصرار میکرد که سیلیم را مثل سیل دو کلاس فریکس درست کنم و گاهی سببانه را در کتف حوض مثل قلان منظره سینمایی صرف کنیم.

با خود گفتم اگر بچه دار شد از این جنونیا دست بر میدارد ولی حالا که سه تا بچه بزرگ و کوچک داریم بیکوید میخواند زندگی قایلیم و «مدیر» داشته باشد بچه هایش باید آزاد باشند هر عملی در خانه میکنند من جرات ندارم بیک بزنم. میگوید در فلان کتاب خوانده است که روح اطفال را نباید کشت باو درست زندگی مرا تبدیل بدار الجانین کرده است. خدا شاهد است یک کاسه و کوزه درست در خانه ما نیست. تمام دیوارهای اطفاها کنده شده و با بامداد سیاه شده است و معتقد است که اگر بچه هایش را مثل قداما تربیت کند مثل من احمق و کودن و ترسو بار میآید. دیشب نقشه رفتن بدر بند را طرح کرد و چون من بملت اینکه کار داشتیم مخالفت کردم بجزد اینک برای خرید سیکار بیرون رفتم دست بچه هارا گرفته و دروازه از بیرون قفل کرده و رفته است. حالا که با آقایان بگویم که شغل من و بیدر او چیست تعجب میکنند ما در بازار خیلی سازها دکان حلبی سازی و سوار و طشت سازی داریم. جرات رفتن ببنزل اقوام را نیز ندارم زیرا جرمی چیزی نمی- شوم. من هر حسابی در زندگی میکردم بجز اینکه دختر بیک نفر حلبی ساز و زن یک حلبی ساز دیگری اینگونه از آن دور آید ولی باور کنید این جمعه از خوشترین جمعه های من است!



ایشان ژنرال مشاورین از تهاور به او توصیه خواهند کرد که در مقابل اقدامات شوروی، در کمتهای خارجی امریکا تجدید نظر کند

در صحنه سیاست بن المللی

همزیستی رقابت آمیز!

باشکست کنفرانس وزیران امور خارجه چهار کشور بزرگ در ژنو، مبارزات سیاسی بین دو بلوک شرقی و غربی در تمام نقاط جهان شد خواهد یافت.

در کنفرانسی که سه ماه پیش سران دول بزرگ در ژنو تشکیل دادند باین نتیجه رسیدند که هیچیک از طرفین قدرت و جرات آنکه برای حل اختلافات موجود به اسلحه متوسل شوند ندارد. در همین حال این نکته مسلم شد که در نقشه ها و هدفهای دو بلوک تقریبی حاصل نشده است. لذا جنگ سرد که باشکست کنفرانس وزرای خارجه چهار کشور مجدداً آغاز شده وارد مرحله جدیدی گردیده که می توان آنرا همزیستی رقابت آمیز نامید.

در این مرحله، اقتصاد قش مهمی خواهد داشت و طرفین سعی خواهند کرد در این زمینه پیشرفتهایی بنمایند هم اکنون مسئله فروش اسلحه از طرف بلوک کمونیست به دول آسیائی و عرب از یکطرف و توسعه بازاریابی کشورهای آسیائی و آفریقائی مالک آسیائی و آفریقائی کثیر برای اعطای کمک های مالی و فنی به بسیاری از کشورهای آسیائی و آفریقائی از طرف دیگر، از مسائلی است که مورد توجه اولیای دول غربی قرار گرفته است.

مخصوصاً دولت امریکا باین موضوع اهمیت فوق العاده ای قرار گرفته است. اخبار خبرگزاریها و گزارش هایی که در مطبوعات امریکائی چاپ میشود این نکته را تأیید میکند. مثلاً دیروز مخبر خبرگزاری فرانسه از واشنگتن گزارش داد که امریکا تصمیم گرفته برای پیروزی در مبارزه جهت کسب نفوذ در خاورمیانه اقدامات مهمی انجام دهد و مطالعه دقیق فهرست سلاحهایی که مورد احتیاج دولت اسرائیل است از طرف کارشناسان مربوطه امریکائی به همین منظور صورت می گیرد. هنوز معلوم نیست امریکا چه مقدار اسلحه به اسرائیل خواهد فروخت ولی در هر حال واشنگتن آمادگی خود را برای فروش اسلحه به کلیه کشورهای خاورمیانه اعلام کرده است منتهی متذکر شده است که دولت امریکا از ایجاد مسابقه تسلیحاتی در این منطقه جلوگیری خواهد نمود.

اقداماتی که امریکا بنظور مبارزه با نفوذ شوروی فقط در منطقه خاورمیانه انجام خواهد داد از هم اکنون مورد بحث محافل سیاسی جهان قرار گرفته و در واشنگتن معتقدند که در سه زمینه سیاسی و نظامی و اقتصادی دولت امریکا هدفهایی را تعقیب خواهد نمود. در زمینه اقتصادی گفته میشود که امریکا در نظر دارد طرح کمک مالی شبیه « طرح مارشال » برای خاورمیانه تهیه کند و دالسی بحض بازگشت به واشنگتن، جنبه های مختلف چنین اقدامی را مورد مطالعه قرار خواهد داد. از طرفی واشنگتن در نظر دارد که در ساختمان سد اسوان در مصر کمکهایی به حکومت قاهره بنماید. دولت اتحاد جماهیر شوروی قبلاً پیشنهادهایی جهت کمک مالی و فنی برای ساختن این سد به مصر کرده و بنظر دیپلماتهای امریکائی اگر این پیشنهادها مورد موافقت مصر قرار گیرد، اولین قدم برای نفوذ اقتصادی شوروی در خاورمیانه و نزدیک بر داشته شده و این امر نتایج وخیمی برای امریکا خواهد داشت. علاوه اکنون سایر برنامه های کیک شوروی در کشورهای: هند، افغانستان، یوگوسلاوی، برمه، اندونزی، اردن، سیلان و پاکستان یا در دست اجراست و یا راجع به آن مذاکراتی جریان دارد.



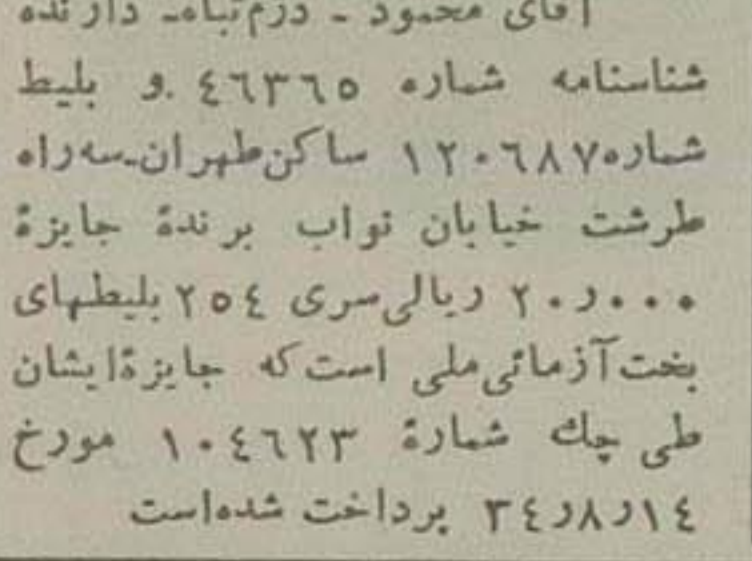
مارشال

دولت امریکا در نظر دارد طرحی شبیه « طرح مارشال » برای کمک به کشور های آسیائی و آفریقائی تهیه کند و به این کشورها کمک اقتصادی و مالی بیشتری بنماید. منتهی در میان کلام شناسان اقتصادی و اعضای کنگره امریکا در این باره اختلافاتی موجود است و بین آنها وحدت نظر وجود ندارد. مثلاً جان هالیستر رئیس اداره همکاری بین المللی اظهار داشته که وی از برنامه های شوروی در مورد کمک های صرانی بسیار کنورها نگران نیست و امیدوار است که در سال آینده از کمک های خارجی امریکا کاسته شود. باید در اینجا خاطر نشان ساخت که این اولین بار نیست که از هنگام روی کار آمدن ایزنهاور از تجدید نظر کلی در سیاست اقتصادی امریکا نسبت بکشورهای خارجی سخن گفته میشود. در فمات گذشته مساعی طرفداران توسعه کمک خارجی امریکا باشکست مواجه شد و اصولاً از سال ۱۹۵۳ تا کنون کم و بیش نظر بر این بوده که از میزان کمک خارجی امریکا کاسته شود منتهی باشکست کنفرانس ژنو این قضیه جنبه های دیگری پیدا میکند و هنوز بکروز بیشتر از زبان کنفرانس نگذشته که از تهیه « طرح مارشال » جدیدی برای خاورمیانه صحبت بیان آورده شده است و دولت ایزنهاور ناچار است در مقابل اقدامات شوروی برای اعطای کمک فنی و مالی به بسیاری از کشورهای آسیائی و آفریقائی جدا در سیاست خود در مورد کمک های خارجی تجدید نظر نماید.

و در پی گرفته فعالیتهای شوروی در مورد کمک بکشورهای خارجی بهیچ وجه با اقداماتی که امریکا در این زمینه بعمل آورده قابل مقایسه نیست ولی اکنون چنین نظر میرسد که شوروی جدا در صدد توسعه برنامه کمک های خارجی خود می باشد. از طرفی در حالیکه مقامات امریکائی معتقدند در کشور های عقب افتاده باید اقدام به اجراء طرحهایی نمایند که از لحاظ اقتصادی مقرون بصرفه و صلاح باشد دولت شوروی از هر گونه اظهار نظری در این باب خودداری کرده و میکوشد از علان کشورهای عقب افتاده به مسئمتی کردن خود برای جلب این کشورها استفاده کند و باینکه اجرای این برنامه ها از نظر اقتصادی معقول و منطقی است یانه کاری ندارد.

همین ملاحظیات موجب نگرانی عده ای از مقامات عالیتره امریکائی را فراهم آورده است و با توجه بآنچه گذشت مشاورین ایزنهاور به وی توصیه خواهند کرد که در مقابل مشکلی که اینک پیش آمده روش جدیدی اتخاذ نمایند تا در نتیجه امریکا بتواند ابتکاری را که در زمینه کمک بکشور های خارجی از سال ۱۹۴۹ با شروع برنامه اصل چهار در دست داشت، حفظ نماید.

آقای محمود دژم تابه - کارمند اداره خبرگزاری پارس برنده جایزه « ۴۰۰۰ ریالی » سری ۲۵۴ بلیطهای بخت آزمائی ملی



آقای محمود - دژم تابه - دارنده شاننامه شماره ۴۶۳۶۵ و بلیط شماره ۱۲۰۶۸۲ ساکن طهران - سه راه طرست خیابان نواب برنده جایزه ۲۰۰۰۰ ریالی سری ۲۵۴ بلیطهای بخت آزمائی ملی است که جایزه ایشان طی چک شماره ۱۰۴۶۲۳ مورخ ۳۴۸۸۱۴ پرداخت شده است

کارکنان انبار اشکودا احصار دخانیات ایران در گذشت ناهنگام مرحوم جناب حاجی سید مصطفی کاشانی تائبند معترم مجلس شورای ملارا بموم بازماندگان ایشان بخصوص حضرت آیت الله کاشانی و جناب آقای خلیلی ریاست اداره انبار های دخانیات تسلیم عرض می نمایند.

کاخلمی آشتیانی - رحیم طایفه - اژدری - پیرزاده - حاتمی در در بیان - ترخصی - سرحدار - یاسینی - حسن پور و انمارشاک - ربیعی - خداوردی - گندم کار ۱۷۶۷۵ - آ

معصیت وارده را به حضرت آیت الله کاشانی و جناب آقای سالی تسلیم میکنم. غلامعلی فرخزاد - ایرج کاوش ۱۷۷۹۹ - آ

امشب در سینه های متر و پیل و همای

برای اولین مرتبه

درام موزیکال مؤثر

و مهیج مگزیک بنام

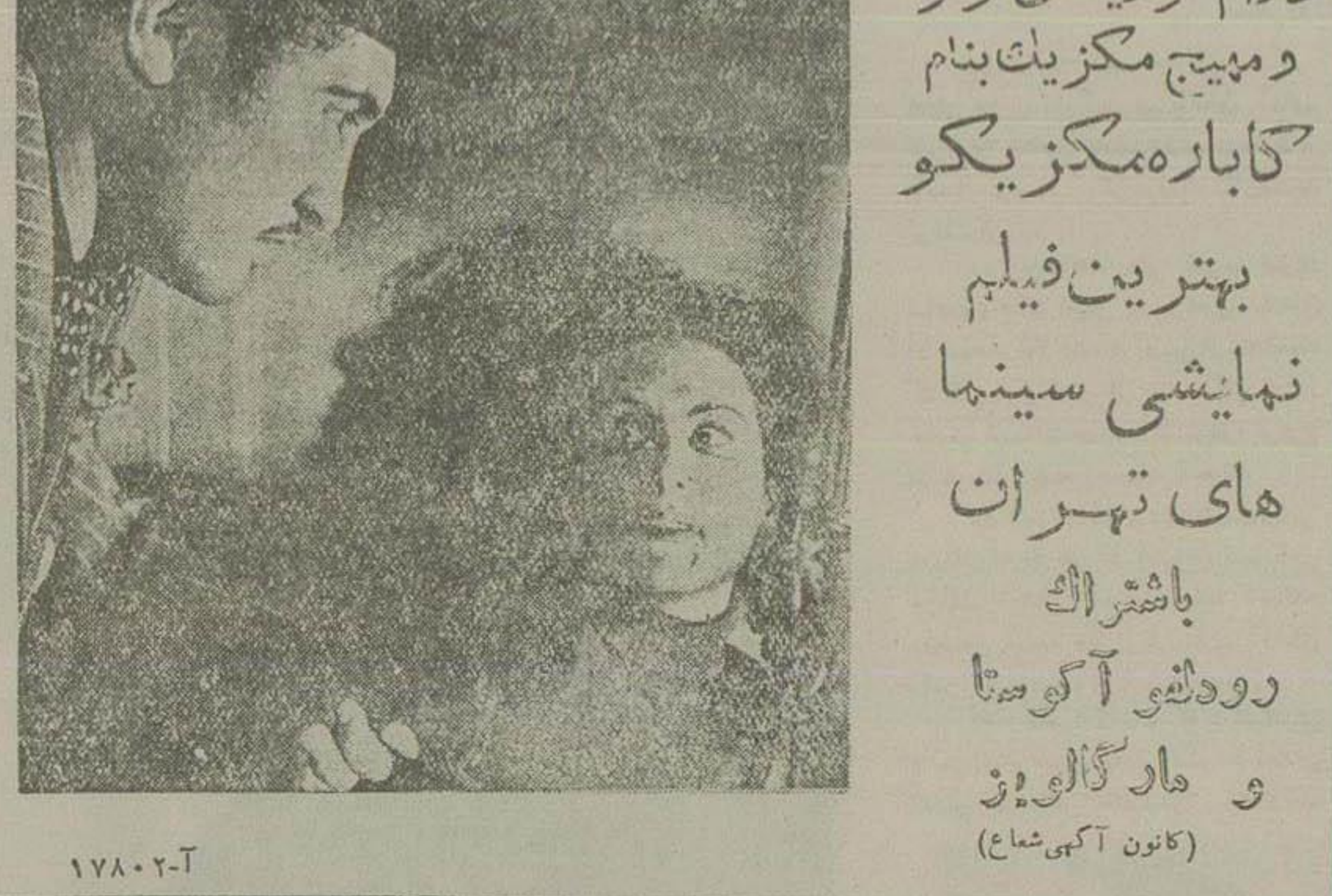
گاباره مگزیکو

بهترین فیلم

نمایشی سینه های

تهران

باشترک رودنی آگوستا و مارگالیوز (کانون آگهی شعاع)



Advertisement for Solar lamps. Text includes: 'پروان قوی ۳۰ و ۵۰ شمعی', 'سولار Solar', 'باسابقه متمدنی در جهان و اسال در ایران', 'آزمایش خود را در دست', 'در موقع خرید مبارک سولار توجه فرمائید', 'نمایندگانی که با کمال دقت و وسوسه در تهران و شهرستانها'. Image shows a Solar lamp.

Advertisement for 'جنرال مد' (General Mod) clothing. Text includes: 'خانها آقابان', 'برای تهیه هر نوع لباس مردانه - زنانه - بچه گانه همه رنگ - همه فرم - همه اندازه', 'جنرال مد', 'در اختیار شماست فروشگاه های جنرال مد', 'لاله زار کوچه برلن تلفن ۳۳۷۳۳', 'خیابان سعدی بالاتر از شرکت بیمه تلفن ۳۳۹۹۴', 'ساعت کار از ۹ صبح تا ۱۲ ره - از ۳ الی ۸ بعد از ظهر', '۱۷۶۵۶ - آ (داغرتی)'

Advertisement for 'قین آلمانی' (German Pins). Text includes: 'قین آلمانی', 'با سابقه ترین قین های دنیا', 'محکم - دقیق قابل اطمینان', 'پانصد و هزار کیلویی برای ملاحظه و خرید به', 'تجارخانه توکل', 'خیابان نیام تلفن ۵۰۴۰۸۵۲۹۶', 'مراجعه فرمائید نمایندگان شهرستان ها', 'مشهد: خیابان سلا فولادکار', 'کرمانشاه: میدان همدانی جدیدی', 'اسفهان: سرای های بلوچستانی', '۱۷۶۸۸ - آ - ۵۱'

Advertisement for 'آگهی اجاره منزل در شمیران'. Text includes: 'آگهی اجاره منزل در شمیران', 'یک خانواده آلمانی به یکدستگاه عمارت مدون که در حدود ۶۰۰ مترمربع است', 'استخر شنا و حتی بقدر تلفن نیز داشته باشد برای اجاره سالانه نیازمند است', 'لطفاً روزها بتلفن شماره ۳۵۵۷۵ مراجعه فرمائید.', '۱۷۸۰۳ - آ - ۲۰۱'

Advertisement for 'بازماندگان آبرخوم مصیبت وارده'. Text includes: 'بازماندگان آبرخوم مصیبت وارده را تسلیم میدهم.', 'بناسبت ارتحال برادر گرام قیدسید حاج سید مصطفی کاشانی تائبند مجلس شورای ملی از ساعت ۷ تا ۱۵ بعد از ظهر روز شنبه ۳۴۸۸۱۴ مجلس ترجمه در شهرستان کرج مسجد سر بل برقرار میباشد.

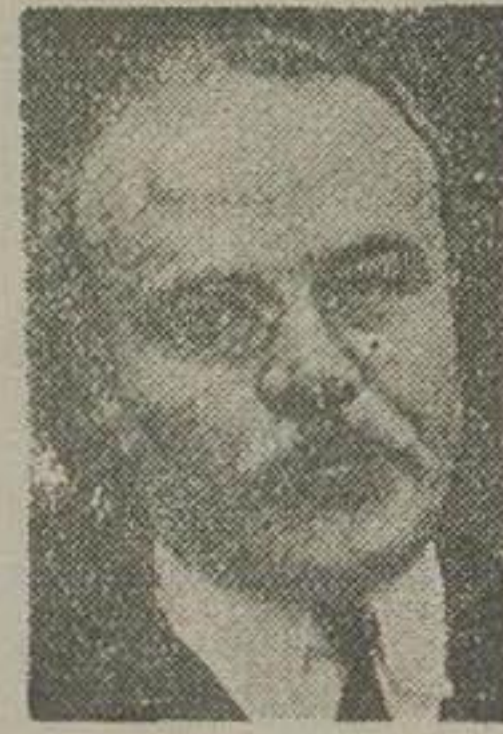
Advertisement for 'سروان منوچهر عزیز بیگلی'. Text includes: 'سروان منوچهر عزیز بیگلی', '۱۷۷۰۷ - آ - ۲۰۲'

Advertisement for 'افشار پور'. Text includes: 'افشار پور. کیانی. ناظم خیاط. ارتقه. در یاباری. صارمی. بیرشکی. اقبال - غ - ربیعی. ف. ربیعی. علی زاده. قاسمی. خسروانی. ۱۷۷۷۶ - آ'

Advertisement for 'کارکنان انبار اشکودا'. Text includes: 'کارکنان انبار شماره یک دخانیات فوت جانگداز آقای سید مصطفی کاشانی را بحضرت آقای آیت الله کاشانی و عمو بازماندگان آن مرحوم خصوصاً جناب آقای خلیلی رئیس معترم اداره انبار های دخانیات ایران تسلیم عرض و بقی آن ذوات معترم را از قادر متعال مسئلت می دارم.', 'نظام آبادی - گرجی - توجه - سالمی - شمس ملک - جلالی - کریمانی - قهرودی - تقوی - غفاری عزیز - جان محمدی - اشقیانی - فتح الهی - فدیریان سپهر نژاد - غزی ۱۸۷۷۸ - آ'

مولوتوف با گروه تهل و مذاکره کرد

وی پیشنهاد های سابق خود را درباره آلمان تجدید کرد



حسنه داشته باشند زیرا هر دو جنکرا برای انتخابات آلمان باز میگرد . مولوتوف گفت اکنون موقع آنستکه مردم آلمان و شوروی بایکدیگر روابط

آلمان شرقی و غربی در این کنفرانس شرکت میکنند و با وزیران خارجه دول بزرگ و بین خودشان مشاوره و تبادل نظر بعمل میآورند مذاکرات وزیران خارجه دول بزرگ به بن بست نیکشید و کنفرانس آنها در ژنو با شکست مواجه نمیکردید .

مولوتوف در برلین با دیگر پیشنهاد سابق خود را در این باره تشکیل یک شورای آلمان برای حل مسئله وحدت آلمان تجدید کرد و گفت قبول و اجرای این پیشنهاد در واقع راه را برای انتخابات آلمان باز میکند .



برلین - آسوشیته پرس - مولوتوف وزیر امور خارجه شوروی پس از شرکت در جلسات کنفرانس ژنو اکنون عسازم مسکو میباشد و برلین وارد کرده است .

در فردگاه برلین او تگروه تهل نخست وزیر و عده دیگری از رجال آلمان شرقی از وی استقبال کردند . مولوتوف با گروه تهل و راجع به مذاکراتی که بین وزیران امور خارجه دول بزرگ در ژنو صورت گرفته تبادل نظر بعمل آورد و اظهار داشت که اقدام دول غربی در رد پیشنهاد شوروی داتر بر اینکه نمایندگان آلمان شرقی و غربی نیز در مذاکرات مربوط به آلمان شرکت جویند خطا بوده و اگر دولتهای بزرگ با این امر موافقت میکنند احتمال قوی میرفت که مسائل بفریح اروپا حل و فصل شود و برای مسئله آلمان نیز راه حلی بیست آرد ولی دول غربی نظر شوروی را پذیرفته و همچنان اصرار کردند که برای انجام وحدت آلمان انتخابات سراسری در این کشور صورت گیرد .

بقیة از صفحه ۱۶
افشربانی در طرفین ایشان حرکت میکردند به هادرا پیوند و از جلو خان مسجد گذشت و به سلام جمعی انبوهی که در مسجد گرد آمده بودند با اشاره سر و دست پاسخ میگفت و آرام آرام از وسط جمعی گشت و بطرف شیبستان جلو میرفت .

علاء کت مشکی و شلوار راه راه پوشیده بود و این همان لباسی بود که صبح برای شرفایی به پیشگاه ملوکانه و معرفی اعضای هیئت نمایندگان ایران که علامت شهادت بود . بتن کرده بود . در وسط راه بود که علاء کت را امینی و حوزای مصادف شد و وزیر دادگستری و معاون نخست وزیر با علاء سلام و احوالپرسی کردند و علاء بد کت را امینی گفت :

آقای دکتر ، بهتر است قدری تأمل کنید بافتان خواهی پرت . دکتر امینی خندید و بشوخی گفت :

« به قربان بیجان خودتان گرفتارم ، اگر میل دارید میروم و بر میگردم .. علاء خندید و گفت : بسیار خوب پس تشریف ببرید ، حزامی اظهار کرد :

سابقان مرا هم مریض بفرمائید چون مسافرم و باید سلمانی بروم و چندم تر را بیدند . علاء با خنده بجزای گفت : عیب ندارد آقا مزاحم نیستم . سپس با دکتر امینی و حزامی و خدا حافظی کرده و بطرف شیبستان که مجلس ختم در آنجا منعقد شده بود برای افتاد .

در شیبستان محل مجلس ختم آیت اله کاشانی ، عده ای از نمایندگان مجلسین و عده زیادی از مردم گرد آمده بودند و چندین چراغ زنبوری پایه بلند نیز در پشت میله های آهنی شیبستان قرار داشت که روشن بود و عده ای بچرد دین علاء برای استقبال از او از شیبستان خارج شدند و علاء نیز گمانها را بطوریکه جواب سلام مردم را با سر و دست میداد بطرف شیبستان میرفت .

علاء هنوز چند قدمی شیبستان نرسیده بود که ناگهان صدای صغیر کلوله ای شنیده شد و همه چشمها به طرف محلی که کلوله از آنجا شلیک شد متوجه گردید . این صدا خفیف بود و بدنبال آن قیافه مرد در پیش داری نمایان شده که هفت تیر برقی در دست داشت و اولین کسی که متوجه شد تیر به علاء اصابت نکرد خود ضارب بود زیرا همیشه دین تیر اصابت نکرد کمی نخست وزیر در دستکش شد و برای بار دوم ماشه را چا دولی

بزودی حکومت پارلمانی در مصر مستقر میشود

قاهره - آسوشیته پرس - مجله هفتگی المصور چاپ قاهره در شماره اخیر خود مینویسد : سرهنگ جمال عبدالناصر در تاریخ ۱۰ آبان سال آینده ، فرمان استقرار حکومت دموکراسی را در مصر صادر خواهد کرد . المصور اضافه کرده که قرار است در سال آینده انتخابات پارلمانی مصر صورت گیرد و برای تهیه مقدمات این امر هم اکنون اقداماتی از طرف دولت مصر جریان دارد ؛ در سال ۱۹۵۲ حکومت انقلابی در مصر روی کار آمد و از آنوقت تاکنون امور این کشور از طرف حکومت انقلابی اداره میشود ولی در هر حال کینه انقلابی مصر وعده داده اند که پس از چهار سال از تاریخ انقلاب ، مصر دارای حکومت پارلمانی خواهد شد و دوباره نمایندگان منتخب مردم مصر سر نوشت این کشور را بنست خود خواهند گرفت .

استیونسون و نیکسون کاندیدای ریاست جمهوری آمریکا هستند

کلرادو - آسوشیته پرس - بطوریکه ناظرین سیاسی خاطر نشان کرده اند کاندیدا های دو حزب بزرگ جمهوری خواه و دموکرات آمریکا برای ریاست جمهوری در انتخابات سال ۱۹۵۶ استیونسون و نیکسون خواهند بود .

استیونسون در دوره گذشته نیز از طرف حزب دموکرات کاندیدای ریاست جمهوری بود ولی در مقابل برزیدنت آیزنهاور نتوانست پیروزی حاصل کند و اکنون چون برزیدنت آیزنهاور بر اثر سکنه قلبی نیروی خود را تا اندازه ای از دست داده گمان نمیرود که مشارالیه با دیگر از طرف حزب کاندیدا شود و اکنون شانس نیکسون معاون رئیس جمهوری بیش از دیگران میباشد و احتمال میرود که در کنفرانس حزب جمهوری خواه که برای تعیین کاندیدای ریاست جمهوری تشکیل می شود نیکسون باین سمت منصوب گردد .

بعضی از ناظرین سیاسی نیز حدس میزنند که آیزنهاور بار دیگر خود را برای ریاست جمهوری کاندیدا خواهد کرد . ناظرین مزبور حدس میزنند که وی دو مسئله در مبارزات انتخاباتی سال آینده آمریکا تکیه خواهد شد که عبارتند از مسئله کشاورزی و موضوع سیاست خارجی که اساس تبلیغات احزاب بروی آنها استوار خواهد بود .

مظفر خاوند قدر در زیر لباس خود گفن پوشیده و روی آن نوشته بود

هین که روی خود را برگرداندم هفت تیری در دست شخصی دیدم بلافاصله خود را بروی او انداختم . در همین موقع دو نفر دیگر هم بکمک من آمدند و در نتیجه موفق شدیم ضارب را دستگیر کنیم . پس از دستگیری ضارب فشار جمیع هر آن طرف ما زیادتر می شد بطوری که از محافظت ضارب عاجز شده بودیم زیرا هر کس که میرسد لگد باشتی حواله او میکرد و بعضی از این مشت و لگدها نیز با میخورد ولی صدایان در نیامد . ضارب بر اثر ضرباتی که با او وارد میشد تقریباً بی حال شده بود تا اینکه یاسبان هائی که مأمور حفظ انتظامات بودند رسیدند و او را در جیب شربانی گذاشته بطرف شربانی حرکت کردند .

در شهر بانی خیرنگار ما که در همه جا دنبال ضارب بود اطلاع میدهند که ضارب پس از آنکه با شربانی منتقل شد مورد بازجویی مقاماتی قرار گرفت و از جیب های او یک جلد کتاب قدائیان اسلام پیدا شد که باضمام بقیه لوازم جیب های ضارب صورت مجلس گردید .

ضارب ابتدا خود را افراسیاب احد معرفی میکرد بالاخره هویت اصلی خود را مظفر علی فرزند حمز علی شهرت ذوالقدر اهل غسه بیان نمود - وی در حدود ۳۲ سال دارد و شغل او قاشی و تابلو نویسی است و در بروی مسجدش در خیابان بوذرجمهری مغازه کوچکی دارد .

نماز خواند پس از اینکه با بررسی مقاماتی از ضارب در شربانی انجام گرفت مقارن ساعت شش و نیم بعد از ظهر ضارب بوسیله مامورین فرمانداری نظامی بجل فرمانداری آورده شد . ذوالقدر که مرتباً جلات عربی زمزم میکرد در فرمانداری نظامی از مامورین تقاضا کرد با اجازه بدهند نماز بگذارند . مامورین محافظت این موضوع موافقت کردند و ذوالقدر با آجوش وضو گرفت و بناز پرداخت قریب یک ساعت نماز او طول کشید و بطوریکه مامورین اظهار میکردند تصد او از اطاله نماز جمع کردن حواس و تنظیم افکار شود بود .

چگونه ضارب را گرفتیم یکی از افرادی که در دستگیری ضارب شرکت کرد سروان ارتشی بود بنام عزیز یکلو وی بجنرنگار ما اظهار داشت که من دیروز برای شرکت در مراسم ختم آقای مصطفی کاشانی تهران آمده بودم زیرا محل مأموریت من در کرج است . دیروز عصر موقی که وارد سخن مسجد شدم آقای علاء نیز بافتان آقای حزامی وارد شیبستان مسجد شدند که ناگهان صدای یک تیر از کنار گوش من بلند شد .

ضارب که در محاصره عده کثیری افتاده بود سرش را بلند نمیکرد . پورس تپ نماینده مجلس که در کنار تات بادی ایستاده بود نیز بطرف جمعی آمد در این موقع عده ای با شدت ضارب را کتک میزدند و فریاد : « بکشید بکشید » نیز از میان جمعیت بلند بود . یاسبان هم با باتون بطرف ضارب حمله میکردند و او را کتان کتان بطرف سخن مسجد میبردند .

قات آبادی و پورس تپ و جمع دیگری فریاد میزدند بکشید ، بکشید ، نزنید ، نزنید فقط دستگیرش کنید . ضارب را همچنان کتان کتان در حالیکه مرتب سر و منمز او میزدند از محوطه شیبستان خارج کرده و بدفتر مسجد بردند .

چراغ زنبوری ترکید وضع داخل شیبستان در آن صدهای تیر بهم خورد و بکمتر به جمیع طرف در حرکت کرد . عده ای نور آذوقه آیت اله کاشانی حلقه زدند و از ایشان حفاظت نمودند و سایر بستگان ایشان نیز مرتب فراد میزدند چیزی نبود ، چراغ زنبوری ترکید ، بفرمائید بنشینید ، بفرمائید بنشینید . امواض شیبستان معشوش شده بود و بیشجان شیبستان از جمعی موج میزد .

مارگارت ترو من با فرماندار نیوجرسی ازدواج میکنند



نیوجرسی - آسوشیته پرس - مدت سه سال است که روبرت میز فرماندار مجرد ایالت نیوجرسی آمریکا جز با دوشیزه مارگارت ترو من دختر رئیس جمهور سابق آمریکا وعده ملاقات نمی گذارد همیشه با او بگردش و تفریح میرود .

از همین دو بعضی محافل آمریکایی ازدواج این دو را پیش بینی می کنند هنگامیکه از روبرت میز در این خصوص سئوالاتی نمودند وی سخت عصبانی شده و اظهار داشت این یک موضوع شخصی است . معینا اذعان کرد که مارگارت دختر زبیبائی است و هر چند که دختر رئیس جمهوری سابق آمریکا و از ستارگان مشهور تلویزیون و رادیو های آمریکا می باشد « دوست داشتنی » و « خوش شوخ » مانده است .

قبل خریداری کردی چرا تا کنون نو مانده است . ضارب در جواب گفت از روزی که لباس خود را خریدم تا دیروز قبل که بپهران آمدم اذان استفاده نکرده بودم .

چرا اینکار را کردی ؟ هنگامیکه از ضارب سئوال شد چرا این کار را کردی ضارب در جواب گفت : برای اینکه نخست وزیر برخلاف تعلیم و دستورات قرآن مجید رفتار میکرد . اکنون در سر تاسر ایران فحشا فراوان شده و بجای اینکه برای جلوگیری از این گونه فسادها چاره ای بیاندیشند ب فکر امضاء بیان دفاعی هستند و چون این بیان باعث کشته شدن جوانان ایرانی خواهد شد باینجهت من اینکار را کردم .

با وجودیکه ضارب در ابتدای بازجویی اظهار داشته بود که من سواد مامورین اظهار داشت بقدری سلیس بود که باعث تعجب مامورین بازجویی گردید . از او پرسیدند تو که سواد نداری این کلیات را چگونه بر زبان می آوری . ضارب در جواب گفت این کلیات را هم مردم این سر زمین از حفظ هستند .

بازجویی از ضارب تا ساعت شش بعد از ظهر در شربانی کل کشور ادامه داشت و سپس دو کما تکار از فرمانداری نظامی شربانی آمد و ضارب را تحویل گرفته با خود فرمانداری نظامی بردند .

در نخست وزیر ی پس از اینکه نسبت به آقای علاء نخست وزیر در مسجد شاه سوعص شد و خوشبختانه تیر ضارب ببطا رفت نخست وزیر را بلافاصله بوسیله اتومبیل بیبارستان وزارت راه برای بانسان بردند و در آنجا نیز پس از اندکی تأمل و بانسان ، آقای نخست وزیر شخصاً سواد امین شده و بطرف کاخ نخست وزیر حرکت نمودند .

خبر نگار ما که از نزدیکان نخست وزیر می باشد چگونگی وضع آنجا بود جریان را اینطور شرح میدهد : مقارن ساعت چهار و سی دقیقه بود که خبر سوعص نسبت به آقای علاء به کاخ نخست وزیر رسید . دیگر کسی را بادی صحبت کردن نبود ، و برای مدتی سکوت عقیق سر تاسر کاخ را فرا گرفته بود ، همه متفکر بودند ، می خواستند از هم بیبرسند که آیا چنین پیش آمدی صحت دارد یا خیر ، ولی گویا قدرت نامعلومی آنها را از ادای این سئوال ازمی داشت . بقیة از صفحه ۸

ضارب پس از انجام نماز خود آب خواست که برایش آورده سبب تحت الحفظ بلشکر ذره می منتقل گردید .

اظهارات رئیس بیمارستان وزارت راه آقای دکتر طرفه رئیس بیمارستان وزارت راه که آقای نخست وزیر را در بیمارستان بانسان نموده بجنرنگار ما اظهار داشت :

ساعت ۳ بعد از ظهر دیروز برای شرکت در مراسم ختم مرحوم کاشانی بطرف مسجد شاه حرکت کردم هنوز تا کسی بیاده نشده بودم که مشاهده کردم آقای نخست وزیر از اتومبیل پیاده شد و هنوز به شیبستان نرسیده بود که ناگهان صغیر کلوله ای در فضا پیچید و آقای نخست وزیر متوجه اطراف خود گردید .

ضارب که تیرش بفظارفته بود ، بطرف آقای علاء حمله ور شد و با ت اسلحه خود یک ضربه بر ایشان وارد آورد و خون از سر ایشان جاری شد . در اینوقت آقای علاء دست در جیب نمود و دستمال خود را بیرون آورد و بروی زخم نهاد .

بلافاصله اینجانب بافتان آقای سرتیپ صفاری که در چند قفسی نخست وزیر بودیم یک جلد دفتر از مردم ابتدا ایشان را یکی از شیبستانها انتقال دادیم و پس از بانسان مختصری که توسط آقای دکتر رستکارو دکتر شربی نژاد که بر حسب اتفاق در آنجا حضور داشتند عمل آمد با شربان باخارج از مسجد آورده و با تکی بیبارستان وزارت راه بردیم .

سه یخچه زدند یکی از بانوان پزشکهای بیمارستان که از ابتدای ورود آقای علاء در بیمارستان حضور داشت بجنرنگار ما گفت : ساعت چهار و نیم بعد از ظهر ، هنگامیکه مشغول گذاشتن درجه در دهان یکی از بیداران بودم ناگهان یکی از برستانان با عجله نزد من آمد و گفت : یا آقای رئیس با تکلاری دارد وقتی از اطراف خارج شدم آقای نخست وزیر را با سرینت در حالیکه در اطراف ایشان آقایان دکتر امینی ، سردار قاهر حکمت ، سپیدهدایت ، سر لشکر علوی مقدم ایستاده بودند در اطراف رئیس مشاهده نمودم .



دکتر امینی و حزامی قبل از وقوع حادثه و آمدن نخست وزیر در مجلس خم

روانشناسی

بار پنبه

از آقای علی اکبر کمال
«... هر وقت با یکی از مشکلات
زندگی روبرو می‌شوم ، احساس
میکنم که از حل آن عاجزم ،
در آنجا این قبیل تاراجها ، چنان
اضطراب و تشویش سراپایم را
میگیرد که بکلی متنازل می‌شوم و
آرزوی مسرک می‌کنم تا از این
فرصت‌های خوبی پیش آید ، مگر
گاهی از زندگی کردن عاجز می‌شوم
و احساس می‌کنم که در کارزار حیات
شکست خورده ام . آیا ممکنست
درباره این حالت و در مان آن
توضیحی بدهید ؟
تهران - جمع - آموزش‌دینان
این یکی از مشکلات زندگی
گروهی از جوانان ماست که تازه قدم
در جامعه نهاده اند و با مشکلات آن
دوست آشنا نیستند و طرز مواجهه با
آنها مشکل را می‌بینند . این مشکل را باید
از نظر روانشناسی شکافت زیرا پیروزی
در زندگی مستلزم دانستن طرز مبارزه
با مشکلات زندگی است و این نیز بسته
بروحیه و عواملی است که در نهاد ما
وجود دارد و طرز برخورد ما را با
مصائب و مشکلات تعیین میکند . ما
باید بدانیم که وقتی مشکلی در زندگی
ما پیش می‌آید ، چگونه با آن روبرو
می‌شویم و طرز برخورد روحی ما با آن
چگونه است ؟

باید دانست که در نهاد هر کس
دو عامل متضاد وجود دارد : یکی اراده
زندگی و دیگری میل برب . این میل
برک در نهاد همه هست و چیز عجیبی
نیست . ما از عدم آیدم و در اعصاب
ما می‌آید که بدانیم ، هواده میل
بازگشت بدم وجود دارد . انسان
ذاتاً میل دارد که کاری نکند و اراده‌ای
برخ نهد و ازین گذشته ، عواملی
در نهاد ما وجود دارد که طرز غم‌خیزی
حیات فعالیت میکند و انسان را بخورد
کردن و از میان برداشتن خود وامیدارد .
مثل اینکه در نهاد ما عناصری نیست
بفردمان تهیه کرده اند و همین عامل
منفی است که سبب میشود در مقابل
مشکلات ، دست بپیند بایستیم و قدم
از قدم بر نهداریم و خیال کنیم که در یکبار
زندگی شکست خورده ایم و درین هنگام
است که از خدا طلب مرگ می‌کنیم .
کسانیکه روزی چندین بار این تقاضا را
از خدای خود دارند ، بسیارند !
اما اراده زندگی ، ما را با تعاضد
تصمیم و پیدا کردن راه حل مشکلات
و امیدوار .

این تصمیم و راه حل ، ممکنست از قبیل حمله
باشد و یا هتاهی که دشمن خیلی قوی است
امر بقف نشینی پیروزمانده دهد .
این طرز عقب نشینی از ترس نیست بلکه
حکمت و مصلحتی است و چه بسا که
آسادی برای حمله بعدی است
مقصود اینستکه در هر حال باید تن
خورد . پیش رفت با قدم بقف برداشت
و برای حمله بعدی آماده شد .
از آنجا که سلامت جسم و جان ما
متراذف با سلامت احساسات و عواطف
ماست ، آنگاه شکست از قبیل بیری
زودرس یا تسلیم ضعف و نومیدی شدن و
احساس شکست را باید از اراده عدم
دانست ولی در همان حال ، اراده زندگی
و تنازع بقا نیز معجزاتی میکند مانند

یکی از بسیار بیابیکه زیبای خان
ما را پشت تهدید میکند و باعث
می‌شود که در اندک مدتی طراوت و باعث
درخشندگی چهره از بین برود کم‌خونی
است . شاید شما با خواندن این مطلب
کمی تشنج کنید و پیش خود بگویید
کم‌خونی چه ربطی به زیبای دارد لذا
برای آنکه این موضوع خوب روشن
شود توضیح میدهیم که : اولاً در خانها
کم‌خونی خیلی زیادتر از مردها دیده
می‌شود بطوریکه طبق آخرین آماریکه
مجمع خونشناسان فرانسه انتشار داده
است در هرده نفر کم‌خون شش نفر آنها
زن و چهار نفر مرد میباشد حال چرا
این بسیاری نزد خانها بیشتر است علل
گونناگونی دارد که میتوان عادت ماهیانه
اختلالات دستگاه غدی بدن ، و بدی
هاضمه را جزء آنها دانست . بهر صورت
وقتی بدن کم‌خون شد از شدت قرمزی
خون کاسته میشود . یعنی خانیکه بر خون
است خوشی قرمز پر رنگ و خانیهای
که خوشان معمولی است قرمز و
بالاخره زبانیکه کم‌خون اند خوشان
پر رنگ صورتی درمی‌آید . البته در کم
خونیاگاه تعداد گلبولهای قرمز کم
شده و زمانی از مقدار «هوکلوپین»
خون کاسته میشود . بهر صورت وقتی
انسان بکم‌خونی دچار شد طبعا خونی
که بر لبها ، کتوها و چهره میرسد
نیستواند مانند سابق این قسمت از بدن
را خوب مشروب کند و در نتیجه
کوتها کم‌رنگ و یا زرد رنگ ، لبها
رنگ پریده و چهره رنگی شیه به کاه
بخود می‌گیرد .

علاوه بر این کم خونی در سایر
اعضای بدن نیز اختلالاتی ایجاد میکند
منه دیگر نمیتواند مانند زمان سابق
برای هضم غذاهای خورد شده شیره
کافی ترشح کند و در نتیجه انسان بسوء
هضمی که گاه خیلی شدید و زمانی ضعیف
است دچار میشود ، در یکد ، کحال ،
مغز ، غدد داخلی و عضلات نیز اختلالات
زیادی پیدا میشود . بخصوص از لحاظ
روحي پیدایش میشود . بهر حال بیلاکتی به کار
شوه و فرزند . به استماع سخنان
دیگران هم ، پروردگی و گرفتگی میکند
که اگر ادامه یابد باعث پیدایش عوارض
سختی میگردد

چگونه با کم‌خونی باید
مبارزه کرد
برای مبارزه با کم‌خونی باید
در رژیم غذاهای مصرفی روزانه موادی
را وارد کرد که این مواد برای ساختن
خون لازم و ضروری باشند . مثلاً می‌دانیم
که یکی از اساسی ترین مواد مترجهت
خون سازی در بدن « آهن » است بطوری
اگر چندی میزان کمتری آهن خورده
شود شخص دچار کم‌خونی میگردد -

شقای بیداز یاس . «چهار لوز مورگان»
در داستان مشهورش بنام «سنبه» یا
«سرچشمه» شرح میدهد که چگونه یک
انسر آلبانی از صدمه دیدگان جنگ ،
امراضی مافوق طاققت بشری را تحمل
کرد تا بدیدار زنی که عاشقش بود ،
نازل آید ولی چون بدیدارش ناآلشد
و دریافت که او با مرد دیگری رابطه
دارد ، باو گفت : «پس دیگر زنمه
مانین من معنی نندارد» و بیبازستان
بازگشت و در بستر خود دراز کشید و
مرد

اگر میخواهید زیا بناید

حساب کرده اند که روزانه هر شخص باید
برای باشش میلی گرم آهن بخورد که
این آهن در هوس و زرده تخم مرغ و
اسفنج وتره زیاد یافت میشود . البته
بهترین و غنی ترین مواد از لحاظ داشتن
آهن عدس است بطوریکه هر یک کیلو
عدس نزدیک ۹۶ میلی گرم آهن دارد
بعد از عدس زرده تخم مرغ درجه دوم
قرار گرفته .

علاوه بر آهن برای آنکه در بدن
خون ساخته شود وجود موادی مثل
ویتامین B۱۲ و اسید فولیک (که آهن
یکی از انواع ویتامین ب است) و مس
لازم است ویتامین B۱۲ در جگر سیاه
بقادیر زیاد یافت میشود مشروط بر
اینکه این جگر حرارت زیاد نیند .
بلاوه این ویتامین در زرده تخم مرغ و
مغز آجیو بحد وفور وجود دارد .
ویتامین B۱۲ وجودش برای خون
سازی بسیار لازم است و در صورت
توان شخص گاه به کم‌خونیهای بسیار
سختی دچار میشود . این ویتامین طبق
عقیده بعضی از دانشمندان در هویج و
و کلم برگ نیز بقادیر زیادی وجود
دارد .

اصولاً خوردن هویج باعث زیاد
شدن خون در بدن میشود زیرا علاوه
بر ویتامین B۱۲ دارای ویتامین
c و p-b-a نیز میباشد . اینرا نیز
بدانیکه ویتامین B۱۲ نیز انواع و
اقسام مختلف دارد که در نوع آن فلا
مصرف میشود اگر میخواهید از آمول
یا شربت ویتامین B۱۲ استفاده کنید
میتوانید یکروز در میان یک آمول
هزار واحدی آفزا در عسله نزدیک
نمایند .

اسید فولیک که عده ای از دانشمندان
آفزا ویتامین (BC) نامیده اند نیز
برای خون سازی عامل بسیار مؤثری
است و بدون وجود آن در بدن خون ساخته
نمیشود .
این ویتامین نیز در جگر سیاه
بقادیر زیادی وجود دارد در مغز
آجیو و زرده تخم مرغ و ماست و شیر
و آناناس نیز در داین ویتامین وجود
دارد ولی آنچه بیشتر از همه در دسترس
ماست جگر سیاه است که خوردن آن
هم بصره مقرون تر است و هم لذیذتر
میتابد .

اما مس نیز از فلزاتی است که
خوردن آن برای عمل خونسازی بسیار
مفید است و اگر تمام مواد موثره بالا
مثل آهن ویتامین B۱۲ و ویتامین BC
در بدن وجود داشته باشد ولی مس
نباشد خون دیرتر از معمول ساخته
میشود .
مس نیز در بیشتر میوه جات و گوشت
ها وجود دارد

بیباری از اشخاص ، وقتی باشکلی
روبرو میشوند ، شراب یا قمار و یا
انواع مخدرات پناه میبرند و این
هان اراده عدم و بسوی مرکز رفتن است
در حالیکه اراده زندگی با حکم میکند
که هنگام سختی ، بشاهده منظر طبیعت
رویم و با مشکل خویش بسا دوستی
مهربان و عاقل در میان نهم و بدیدار
اشخاص موفق و امیدوار بشناییم و
فراموش نکنیم که مشکلات ما مانند
بار پنبه است : از دور سهناک بنظر می‌آید
ولی بیک حرکت از میان برداشته می‌شود .

زبان پلو خوری

بایستکه در اینکار «آنگاه»
شده ام و به «پرستیز» و «آوردته»
من بسکی داده برای من کاسلا
«سامه تکاله» ...

من گوشه دار تیز کردم و بر سریدم ؛
چطور آقا . بی فرمودید ؟
- فرمض اینستکه «امورتاناس»
این مسئله را زیاد نکند . اگر برای
شا «اموسیل» است خودتان را
«دکاذه» کنید و البته «آرترو» باشد .
اسدالله خان دست بردار نبود .
کلمات فرنگی را پشت سر هم در صحبت
ردیف میکرد و حجاب بندگی نیست
که اغلبرا غلط و در غیر جای خود
استعمال میکرد . مدتی تحمل کردم و
عاقبت کاسه صبرم لبریز شد . بایستکه
با او رودر بایستی داشتم گفتم : شما چه
اسراری دارید و کلمات فرنگی استعمال
کنید . . . ازشما چه پنهان فرمایشت
جناب عالی را درست نمی‌فهم !
کردن را کج کرد و او پرورد بالا
گرفت و گفت : عجب ! مگر زبان فرانسه
نمیدانید ؟

گفتم : چرا ! ولی این زبان
«فرانکو-ایرانی» شنارانی فهم پس
لفظا بزبان فرانسه صحبت کنید .
کمی سرخ و ناراحت شد :
- میدانید من ... زبان فرانسه ...
الته میدانم ولی حوصله حرف زدنش
را ندارم
- پس فارسی بفرمایید .
اسدالله خان از کوره در رفت و
فریاد زد : آقا این چه اسراری است !
من چطور مطالب مهربان با این زبان
ناقص و مزخرف بفهمانم ... شما بالا
بروید پایین بروید زبان فارسی یک
زبان ناقص است . یک زبان بدوی است
که در آن برای اشیاء لغت هست برای
بسی احاسات اصلی ممولی مثل
گرستی و درد و خوشی هم یک عده لغات
محدود وجود دارد ولی بعضی اینکه
به «دوم» احاسات لطیف وارد
بشویم گنگ است . «نوآتس» های
معنی دار نیرساند . بفارسی فقط میتوانید
بگویید «پر خورده اید» «کم خورده اید»
«سردان است» ، «گرمتان است» اما
چطور احاسات و «ساتیان» های
لطیف را میتوانید بیان کنید ... خلاصه
زبان پلوخوری است بیجهت تعصب
تداشته باشد !

گفتم : اگر در هیچ مورد و برای
هیچ چیز در داین ملکتم تعصب نداشته
باشم برای زبان فارسی دارم .
آرزوی بخت ما بدر ازا کشید .
و اما دلم سوخت سخت متناز شدم .
اگر این عقیده را تنها از زبان
او شنیده بودم آفزا بعنوان یک شمه
منفرد و ناموزون تحمل میکردم ولی
دلم میسوزد از اینکه این درد نسل
کنونی ما و این نحوه طرز فکر کنونی
از هشتبرهای بیبایه ماست . خیلی‌ها
هستند که ضعف بیانی را بحجاب تاریکی
قرص درخشان خورشید میکشاند .
زبانی که در دهان حافظ و سعدی و
فردوسی مین لطیف ترین و عالی ترین
احساسات بشری بوده است در نظر
آنها ناقص و بدوی مینمایند و نمیتواند
«ساتیان» هائی غیر از برخوردی و
بقه در صفت

گفتم : اگر در هیچ مورد و برای
هیچ چیز در داین ملکتم تعصب نداشته
باشم برای زبان فارسی دارم .
آرزوی بخت ما بدر ازا کشید .
و اما دلم سوخت سخت متناز شدم .
اگر این عقیده را تنها از زبان
او شنیده بودم آفزا بعنوان یک شمه
منفرد و ناموزون تحمل میکردم ولی
دلم میسوزد از اینکه این درد نسل
کنونی ما و این نحوه طرز فکر کنونی
از هشتبرهای بیبایه ماست . خیلی‌ها
هستند که ضعف بیانی را بحجاب تاریکی
قرص درخشان خورشید میکشاند .
زبانی که در دهان حافظ و سعدی و
فردوسی مین لطیف ترین و عالی ترین
احساسات بشری بوده است در نظر
آنها ناقص و بدوی مینمایند و نمیتواند
«ساتیان» هائی غیر از برخوردی و
بقه در صفت

فیلمهای جدید

موگامبو - (مترو گلدوین
مایر) در میان جنگهای مخوف و
برمخاطره آفریقا یکبار دیگر درسال
۱۹۵۳ ، سام ریبالیست « تپیه
کننده معروف بافتاق « جان فورد »
کارگردان هنرمند و عالیقدر آمریکائی
به این قاره اسرار آمیز شناختند و
ارمنان مسافرت آنها فیلم رنگی
« موگامبو » بود .

داستان فیلم مربوط به عشق
هیجان انگیز دو دختر زیبای سفید
پوست یک صباد خشن سفید پوست
است .
این صباد که ویکتور مارسل
(کلارک کیبل) نامیده می شود با
زنان زیادی رابطه داشته است لیکن
هیچیک از آنها توانسته بودند مانند
این دو ماهر وی را اسیر عشق
نمایند یکی از این دختران بنام
الوی کلی (آواگاردن) که خواننده
یکی از کاپاره های نیویورک است
که بخاطر عشق و علاقه یک مهاراجه
هندی زندگی شهری و متدن خود را
رها کرده همراه وی به قلب جنگل
های آفریقا پناه میبرد و در آنجا
بصورت علاقمند میگردد .

یکبار دیگر زیباییها و وحشت آفریقا
را بر روی پرده سینما آورده و
بخصوص سستی که کوریل های وحشی
را شکار می نمایند بسیار دیدنی است .
کارگردانی فیلم توسط «جان فورد»
برنده جایزه اسکار انجام گردیده و
سناریوی فیلم از روی نمایشنامه
« ویلسون کولیسون» بوسله « جان
لی مهن » تنظیم شده است .

رومئو و ژولیت - (سفیلم
شوروی) - در کشور روسیه شوروی
آثار جاودان « ویلیام شکسپیر »
فوق العاده مورد توجه می باشد و از
میان آنها « رومئو و ژولیت »
بیشتر از سایر نمایشنامه های کلاسیک
شکسپیر توجه هنرمندان شوروی را
بخود معطوف داشته و تا بحال صحنه
های خلاصه از این اثر بصورت پالت
در فیلم های مختلفه روسی دیده شده
است لیکن فیلم مورد بحث امروز
ما داستان کامل این عشق شورانگیز

اینکه نمیدانند ابراهیم دل شارا پیش از حد برده است ... در حقیقت با مطلع کردن
شما مرتکب یک بی احتیاطی شده است ... محبوب شما وقت دارد که فرار کند .
- چطور ؟ او فرار کند ... اگر خیال میکنید ابراهیم کسی است که از مقابل
دشمن فرار کند او را خوب نمی‌شناسید . ابراهیم از آن آدمهایی نیست که در مقابل
کسی عقب بنشیند .
- خیلی خوب از او دفاع میکنید ماداموازل .
- مگر آنوقتی که شما او را در این انقلاب احقانه کشیدید همراه شما نیامد؛
خیال میکنید غیر از او مردی پیدا بشود که بخاطر چشمهای قشنگ شما جان خودش
را درخطر بیندازد؟
- وقتی یکمرد زنی را دوست دارد نباید از هیچ چیز بترسد .
- ومن بشما جواب میدهم : وقتی یک زن مردی را دوست دارد زندگی او را
بخاطر یک هوس بخطر نمی‌اندازد ...
- خواهش میکنم آرام باشید ... شما اینجا نیامده اید بن درس عشق بدهید .
- حق باشما است ... وقت مشاجره گذشته است . بی برده صحبت کنیم خانم ...
من ابراهیم را دوست دارم . شما هم او را دوست داشته اید ... حالا هم شاید کاملاً از
خیال او فارغ نشده باشید چون آرزوی برای دیدنش خیلی اصرار میکردید ... پس
ما باید متحد بشویم و او را نجات بدهیم . من از آن زنهائی نیستم که با زندگی محبوب
خود بازی میکنند؛ من ترجیح میدهم هم چیز را فراموش کنم ، هم چیزی فدا کنم که
او را نجات بدهم ... من حاضرم عزت نفس و حسادت و همه احساساتم را فراموش کنم
خانم ، و تن به هر درد و زنجی بدهم که زندگی او را نجات بدهم .
ماروا سیکار خود را که پانته رسیده بود خاموش کرد و سیکار دیگری آتش
زد . سپس در مقابل پاریکا نشست و چشمهای روشن خود را باو دوخت . لحن محکم
و معصم این دختر موسیاه او را وادار بخسین کرده بود .
- خلاصه ماداموازل پاریکا شما واقعا دوست مرا دوست دارید .
- دوست سابق شما را ... بله ...
- من حق دارم بگویم دوستم چون خیلی بهتر از شما او را می‌شناسم و اگر
از فراد او صحبت کردم برای این بود که شما را امتحان کنم . من خیلی خوب باشناخت و

کتابهای جاودانی

میدانید که بشر هر چه را که
میسازد میخواهد جاودانی باشد و
با لاف طول عمر ساخته های او
زیاد باشد
اخیرا در فرانسه یک کتاب فروش
بنام مسیو راژیندک در ضمن دارای
چاپخانه کوچکی نیز میباشد توانسته
است برای کتب دبستانی بچه ها
ایستکاری بعمل آورد که مورد تحسین
دولت فرانسه قرار گرفته است .
بدین معنی که چون بچه های کوچک
هر سال چند بار کتابهای خود را بازه
میکند مسیو راژیندک کتاب آنها را تا
سان سوم روی ورته های ناپلئون
چاپ کرده و بدین طریق دیگر کتابها تا
مدتها پاره نخواهند شد .

فیلم « دختر سفیر کبیر » رنگی و
سینماسکوپ تهیه میگردد و مشرقشان
آن « جان فورسایت » ، « میر نالوی » ،
« آدولف منجو » و « آدوارد آرنولد »
میباشند .

« یونایتد آرتیست » حاکی است که
« اتور برینگر » با « الینور پارکر »
قراردادی منعقد ساخته تا فیلم « مرد
بازو طلایی » را از وی تهیه کند این فیلم
یست و پنجمین فیلم میس « پارکر » بشمار
میروند و این ستاره که در حال حاضر از
محبوبترین هنرمندانترین آرتیست های
هالیوود بشمار میرود پیش بینی میکنند
که برای این فیلم موفق خواهد شد جایزه
اسکار را ببرد .

« کیم نوک » و « فرانک سیناترا »
نیز در فیلم فوق شرکت دارند .
« کلاخان » « یونیورسال اینتر نیشنال »



« آواگاردن » و « کلارک کیبل » ستارگان محبوب سینما
در صحنه ای از فیلم « موگامبو »

تازه ترین اخبار سینما

اطلاع میدهد که اخیراً طبق آماد دقیق
و صحیحی که جمع آوری شده فیلم « هریت
بجینم و بازگشت » در کلیه شهرهای
بزرگی که تا بحال نمایش داده شده رکورد
تشکیل میدهند که از میان آن ها
« کالینا اولا نووا » بزرگترین
بالرینای امروزی شوروی را بایستی
ذکر کرد .

« بال » رومئو و ژولیت « توسط
« سرگی پراگوفین » آ هنگساز
نامدار روسی تصنیف شده و موزیک
مهیج آن که نغمه ای دراماتیک است
هیجانی درونی به تماشای میدهد .
فیلم فوق رنگی تهیه شده و از
لحاظ دارا بودن جنبه هنری بعنوان
یکی از برجسته ترین فیلمهای روسی
شناخته شده است . کارگردان این
فیلم « لئو آرنشام » میباشد .

« اولیویا دوهاویلا » ستاره
شهر آمریکائی که تا بحال دو بار جایزه
اسکار را بدست آورده است اکنون در
پاریس مشغول بازی در فیلمی میباشد که
« دختر سفیر کبیر » نام دارد . اغلب
صحنه های این فیلم در « تئاتر سادار-
نهادت » واقع در پاریس تهیه میشود
به « اولیویا دوهاویلا » اجازه داده
اند و از آنجا که کارخانه وادرنر برای همین
منظور در اختیار « چارلز مک گرا »
کارگردان جوان که تخصص کامل در
رژیسوری نمایشات تلویزیون دارد
گذارده است .

فیلمهای « مک گرا » تهیه
نوده و مینمایند از موضوعات مختلف
تجارتی البته همراه داستانهائی جالب
توجهی بوجود میآید و کنبائی بزرگ
و معروف آمریکائی « مونت سوئیکیال »
که ستاره مواد شیمیائی است و امروزه
دارای شهرت جهانی زیادی است یکی
از پیشقدمان ایجاد سری فیلمهای
« آزدواج هالیوود » جهت نمایش روی
تلویزیون میباشد و گذشته از فیلم های
که در مورد محصولات گوناگون خود
تهیه نموده کهک های شان توجهی نیز
به یسرفت اینکار مینماید .

اینکه نمیدانند ابراهیم دل شارا پیش از حد برده است ... در حقیقت با مطلع کردن
شما مرتکب یک بی احتیاطی شده است ... محبوب شما وقت دارد که فرار کند .
- چطور ؟ او فرار کند ... اگر خیال میکنید ابراهیم کسی است که از مقابل
دشمن فرار کند او را خوب نمی‌شناسید . ابراهیم از آن آدمهایی نیست که در مقابل
کسی عقب بنشیند .
- خیلی خوب از او دفاع میکنید ماداموازل .
- مگر آنوقتی که شما او را در این انقلاب احقانه کشیدید همراه شما نیامد؛
خیال میکنید غیر از او مردی پیدا بشود که بخاطر چشمهای قشنگ شما جان خودش
را درخطر بیندازد؟
- وقتی یکمرد زنی را دوست دارد نباید از هیچ چیز بترسد .
- ومن بشما جواب میدهم : وقتی یک زن مردی را دوست دارد زندگی او را
بخاطر یک هوس بخطر نمی‌اندازد ...
- خواهش میکنم آرام باشید ... شما اینجا نیامده اید بن درس عشق بدهید .
- حق باشما است ... وقت مشاجره گذشته است . بی برده صحبت کنیم خانم ...
من ابراهیم را دوست دارم . شما هم او را دوست داشته اید ... حالا هم شاید کاملاً از
خیال او فارغ نشده باشید چون آرزوی برای دیدنش خیلی اصرار میکردید ... پس
ما باید متحد بشویم و او را نجات بدهیم . من از آن زنهائی نیستم که با زندگی محبوب
خود بازی میکنند؛ من ترجیح میدهم هم چیز را فراموش کنم ، هم چیزی فدا کنم که
او را نجات بدهم ... من حاضرم عزت نفس و حسادت و همه احساساتم را فراموش کنم
خانم ، و تن به هر درد و زنجی بدهم که زندگی او را نجات بدهم .
ماروا سیکار خود را که پانته رسیده بود خاموش کرد و سیکار دیگری آتش
زد . سپس در مقابل پاریکا نشست و چشمهای روشن خود را باو دوخت . لحن محکم
و معصم این دختر موسیاه او را وادار بخسین کرده بود .
- خلاصه ماداموازل پاریکا شما واقعا دوست مرا دوست دارید .
- دوست سابق شما را ... بله ...
- من حق دارم بگویم دوستم چون خیلی بهتر از شما او را می‌شناسم و اگر
از فراد او صحبت کردم برای این بود که شما را امتحان کنم . من خیلی خوب باشناخت و

کرده است . ابراهیم چند نامه یادرس من در برلن فرستاده بود که من بعد از مراجعت از
یک سفر طولانی در شرق دور آنها دیدم ... در این نامه ها هم وقایع درباری من حکایت
کرده است . . . اما نمیدانستم که این داستان خود کشی هنوز ادامه دارد .
- این داستان حالا از همیشه غم انگیز تر شده است چون ابراهیم تمهید کرده
است که روز پنجم ژوئن خود کشی کند و شوهرش مارو و چهارم با اینجایماید تا شاهد اجرای
این تمهید باشد .
ماروا تکلی خود :
- شوهریک با اینجا میآید ؟ شما از کجا میاید؟
- او بن تلگراف زده است ،
ماروا از جا بر خاسته بود . برای آرام کردن آشفتنکی خود سیکاری روشن کرد
و چند لحظه بشمه قند کوچک طلای خود چشم دوخت . در طول اطاق راه معرفت و
باز میگشت ناگهان در مقابل پاریکا ایستاد و پرسید :
- بچه عجلت شما ، دوست جدید ابراهیم از شوهریک تلگراف دریافت میکنند؛
یکی خیانت میکنند؛ با او با شوهریک؟
- به هیچکس . من قربانی بیرحمی شوهریک شاشده ام ... من در دست او آلت
بی اراده ای بوده ام . . . باکال حماقت از یکسال پیش تا حالا همه حرکات و کارهایمان
را با او اطلاع داده ام . . . نمیدانم می‌فهمید یا نه . . . این دکتر بیبانه یک مرش دروغی
قلب یک مرش غیر قابل علاج مرا فریب داد . . . منم احقانه حرف او را باور کردم
برای اینکه من وقتی متناز می‌شوم زود گول میخورم .
پاریکا بطور خلاصه وقایع اسکندریه را حکایت کرد . ماروا با دقت فوق العاده
کوش میداد .
پاریکا در پایان گفت :
- این بود حقیقت قضیه . من آفزا برای شما گفتم برای اینکه وقت زیادی
نداریم . . . شوهر شما دل مرا نسبت با ابراهیم بر حرم آورد . منم هر روز بیشتر از روز
پیش او را دوست داشتم و حالا از روزی که فهمیدم چه خطری او را تهدید می-
داد زندگی بر من حرام شده است .
- خوب می‌فهمم . . . شوهریک : ماروا از روز ورودش مطلع کرده است برای

ترجمه : ام پ
بقلم : موریس دو کبرا
دختر گرجی
اول بگوئید بینم کی شارا اینجای فرستاده است؛ ابراهیم؟
- نه خانم ... ابراهیم نمیداند که من بلافاصله شما آمده ام ... من بدین شما
آمده ام برای اینکه میخواستم راجع بسو موضوع مهمی تنها باشما صحبت کنم .
ماروا لوله روزلب را دوری کند گذاشت و پاریکا را نگاه کرد :
- آهان؛ میخواهید مرا تهدید کنید . . .
- در کجای صحبت من تهدید میکنید؟
- در لحن شما ...
- این لحن صحبت من مناسب موضوع مهم صحبت منست . . من نیامده ام شما
را تهدید کنم . . . آمده ام ازشما استمداد کنم . کوش بدهید . . . زندگی محبوب من . . . زندگی
معتوق سابق شما در خطر است . . . بازم تکرار میکنم که موضوع مهمی است . . .
خیلی مهم ...
آرامش پاریکا ، ماروا را که منتظر کلمات تند و زنده و فریاد و فغاشی بود
دچار تعجب کرده بود . بایک حرکت تنه کلامحیرری را از سر برداشت و روی تخت خواب
پرناز کرد ؛
- گفتید که زندگی ابراهیم در خطر است؛ پس این موضوع اختلاف او باشوهر
من حل شده است؛
- نه خانم ... حتماً شما نمیدانید که ...
- من میدانم که شوهریک وسائل فراد ابراهیم را از تنه ان اسلحه بول فرام

دختر گرجی
- اول بگوئید بینم کی شارا اینجای فرستاده است؛ ابراهیم؟
- نه خانم ... ابراهیم نمیداند که من بلافاصله شما آمده ام ... من بدین شما
آمده ام برای اینکه میخواستم راجع بسو موضوع مهمی تنها باشما صحبت کنم .
ماروا لوله روزلب را دوری کند گذاشت و پاریکا را نگاه کرد :
- آهان؛ میخواهید مرا تهدید کنید . . .
- در کجای صحبت من تهدید میکنید؟
- در لحن شما ...
- این لحن صحبت من مناسب موضوع مهم صحبت منست . . من نیامده ام شما
را تهدید کنم . . . آمده ام ازشما استمداد کنم . کوش بدهید . . . زندگی محبوب من . . . زندگی
معتوق سابق شما در خطر است . . . بازم تکرار میکنم که موضوع مهمی است . . .
خیلی مهم ...
آرامش پاریکا ، ماروا را که منتظر کلمات تند و زنده و فریاد و فغاشی بود
دچار تعجب کرده بود . بایک حرکت تنه کلامحیرری را از سر برداشت و روی تخت خواب
پرناز کرد ؛
- گفتید که زندگی ابراهیم در خطر است؛ پس این موضوع اختلاف او باشوهر
من حل شده است؛
- نه خانم ... حتماً شما نمیدانید که ...
- من میدانم که شوهریک وسائل فراد ابراهیم را از تنه ان اسلحه بول فرام



از دکتر خسرو بیگی

گله منعموم شگفت است!

من نیدام تا کی باید اینقدر بیبوده بول حکیم دودا های کران قیمت بدهیم.

تاکی باید اینقدر زرد... ضعیف رنجور باشیم... تاکی باید این همه موم مختلفه را با هم غدا بین و شا بدهند و پول گزاف بگیرند... اما اول این دام بگویم تقصیر باهیچکس دیگر نیست... دامت میگویم کس دیگری تقصیر ندارد... تقصیر فقط با خود من وشاست... آخر تاکی باید این لاشه های گوشت را تو آت...

این گوشتها از لحاظ بهداشتی همه کثیف... همه آلوده... همه پر از میکروب های گوناگون هستند که هر تکاش کافی است چندین نفر بلکه چند فامیل را ناخوش و بستری کند و اگر با تحمل مخارج گزاف و نینج نرود این جان سلامت بدبیرند تازم خدا را شکر خواهند کرد والا یک قسمت اعظم مرگ و میر بین ماها از بجه تا بزرگ بملت این طرز غلط غذا درست کردن است...

چه در دستور آنها وجه درمنازل باور فرمایند... قبول کنید که هیچ یک از این شیرینی های تازه دکان شیرینی فروشی که درخیال نیست... هیچ تکه از این گوشت هایی که در این قصابی ها با این طرز کثیف بدون ضعیفان... بدون سرخان... درمعرض کردوخاک و مگس و سوسک و زنبور و در زمستان درمعرض کل و آب خیاربان و پای اشخاص و دست آلوده خریدار و فروشنده قرار میدهند سالم نیست و از لحاظ بهداشت خوردنی نیست... اینها همه کثیف و مسموم هستند و قابل خوردن نیستند...

میر اطفال و اشخاص... اسهال ها و سایر عوارض معدنی همه و همه بملت این غذاها کثیف در این گوشت های آلوده است... لابد از این عرایض مخلص خیلی تعجب میفرمایند بنا براین اجازه بدهید شرح حال فامیلی را و اتفاقی که برایشان افتاد برای شما شرح بدهم... هفته گذشته فامیلی مثل بعضی فامیل های دیگر هوس کردند شام خورش استفناج درست کنند... بساط تهیه شد... سیزی و گوشت و سایر مواد خریداری شد... خوراک را آماده کردند...

شا خیال میکنند چقدر گوشت خریدند... یقیناً یک کیلو نیم یا دو کیلو (شاید کم تر)... افراد خانه چند نفر بودند... نفر (شاید هم بیشتر) بیرون رفتند... اما آنقدر از این غذا را آوردند... اهل خانه دور هم نشستند و خوردند...

در یکی از روزهای تابستان سال ۱۳۱۶ چند مرد جوان که ظاهرشان آنان را کارمند دولت نشان میداد در یک یکی از خانه های واقع در بهترین نقطه شهر را کویدهند... اندکی بعد مردی موقر باقیافه مرتب درواکتود و آنگاه یکی از آن چند نفر پس از اینکه سلام کرد گفت:

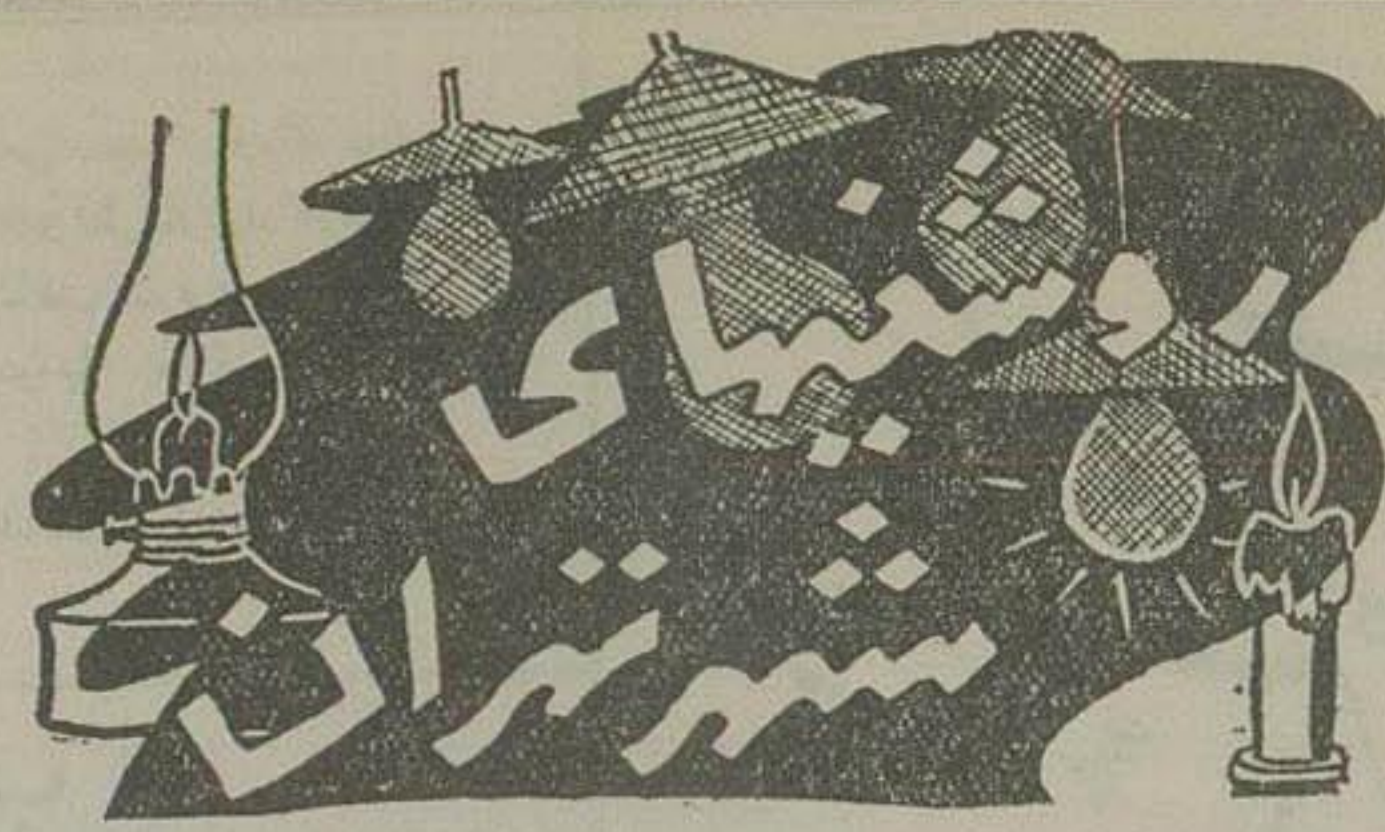
«آقا بیخشید مزاحم شدیم... چند روز قبل نصب کارخانه ۶۴۰۰ کیلوواتی برق تهران که از کارخانه اشکودا خریداری شده پایان رسیده... مؤسسه برق اکنون میتواند بخانه ها روشنایی بدهد... چه بهتر که این چراغ های نفتی تبدیل بلامپ های برقی شود و ما هم مثل همه کشورهای متدین از این نعمت استفاده کنیم... جناب عالی از اشخاص سرشناس تهران هستید و ما قبل از همه خدمت شما آمدم تا در خرید برق پیش قدم شویم...»

در این هنگام قیافه مرد مزبور درهم رفت... یک قدم عقب برداشت و درحالی که سرخود را تکان میداد با حال عصبانی گفت: «برو آقا جان... برو این دام بر مرغ دگره...» آنگاه وارد خانه شده در دراست... اینها مامورین مؤسسه برق تهران بودند که در آنوقت تازه شروع بکار کرده بودند... در آن زمان فروش برق احتیاج به تبلیغ داشت اما متأسفانه مردم از آن استقبال نمیکردند و جریان فوق عین واقع است که برای چندین از مهندسی کنونی بنگاه مستقل برق اتفاق افتاد...

ساکتین تهران... که وقایع سیاسی آنان را بیه چیز بدین ساخته بود... راضی بودند بهمان چراغهای موشی سابق سازند و از نیروی برق استفاده نکنند... وقتی مامورین برای عبور دادن سیمها بروی دیوار معابر مرقه کوی میگردند مردم از خانه ها بیرون میریختند و فریاد میزدند: «چرا دیوار خانه ما...

تجربه این شد که چهار ساعت بعد همه مسموم شدند البته بشر از کسانی که از آن غذا نخورده بودند (فراوش فرماید طرف های سی سفید بود) اما شاید اینکه عرض کردم مسموم شدن قبول نکنید ولی باور فرمایید که تمام علامت یک مسمومیت حاد در این فامیل پیدا شد با حالت خیلی خطرناک چرا فقط برای اینکه شاید بقدر چند گرم از آن گوشت هر یک از اهل این خانه خورده بودند...

راه چاره پس چه باید کرد... نه فقط بقدمین بلکه بقدمین کلبه متخصصین بهداشت نام این قبیل گوشت هایی که در دکان های قصابی



را خراب میکنند... ما احتیاج به برقی که آتشد از آن تعریف می کنیم نداریم... اولین خانه های که روشن شد تا ۱۸ سال پیش اغلب معابر تهران غرق در سکوت و تاریکی و حشت آوری بود... بلندی وقت برای روشن ساختن خیابانها از چراغ های نفتی دیوار کوب که روشنایی ضعیفی داشت استفاده میکرد... هر روز صفر کارگرایان که یک نردبان و یک ظرف

بخت اول مال ما برق چیمان است... مثل اینکه شیخ اجل این شعر را هشتصدسال پیش برای برق جهان امروز تهران فرموده که گاهی بیدار گاه دیگر پنهان میشود... در قرن هجدهم یک کارگر فرانسوی موسوم بگرام دست باختراع برق زد... جریان برق در آن هنگام در دستگاههای تلفن مورد استفاده قرار گرفت اما کسی که برق را بصورت روشنی در آورد توماس ادیسون مشهور معروف بود که صدها اختراع منگنک دارد...

ادیسون از خاکستر نخ ابریشمی که ۳۶ ساعت در مزاج شیمیایی مانده بود برای ایجاد لامپ استفاده کرد و اکنون بجای این خاکستر توکنگترام بکار میبرد... از آن تاریخ تاکنون مرتباً برای استفاده از نیروی برق در کشورهای متدین کوشش میشود تا آنجا که در حال حاضر راه آهن های مالک شمالی و غربی اروپا با نیروی برق حرکت میکنند اما چون نیروی متمرکز ایجاد شده و سد بندی ها است بر خلاف برق ما اذنان قیبت و مثل آب در دسترس هم نرود... نخستین کارخانه برق در ایران طبعا در تهران و آن هم برای عبادات سلطنتی و در زمان منظرالدین شاه دایر شد و کارخانه اش در همین محلی بود که امروز عمارت دادگستری میباشد سپس مرحوم حاج حسین آقا (امین الشریع) در خیابان برق امروز کارخانه کوچکی برای روشنایی تهران دایر کرد و اسم آن خیابان از چراغ گاز بچراغ برق تبدیل شد... در خیابان مزبور در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه یک کارخانه تولید گاز دایر شد و تا چندی شهر تهران با گاز روشن میشد بعد بواسطه ترکیب یکی از لوله های گاز که موجب تلنت جانی و مالی شد کارخانه گاز تعطیل گردید و گاز به برق تبدیل شد در ابتداء که کنتور و کیلوات شادی معمول نبود بجای برق را از نیروی لامپ میکرفتنند و حالت لای لامپ کوچک ماهی هفت ریال و ده شاهی بود ولی معمولاً از غروب آفتاب چراغهای برق روشن میشد و فقط ساعات مسیخت و باسطلاب آرزو سه از شب گذشته خاموش میشدند اما در عرض یک شب هم در تمام سال خاموشی مطلق نداشت...

نفت بپهره داشتند در خیابان ها راه میافتادند... چراغها را تیز و پرازفت میکردند... اما کویچه های تنگ و پاریک این روشنی مختصر را هم نداشت... آنها که میتوانستند برای عبور و مرور در شب فانوس تهیه میکردند و متولین غالباً یک فانوس کسج مخصوص داشتند که پیشاپیش هست فاسد است و برای جلوگیری از فساد باید حتماً بیخیال یا سرداب داشته باشند و در آنجا نگاهداری کنند... خانمهای خانه دار هم گوشت را قبل از پختن خوب بشویند خوب بکنند که خراب نباشد... بامید نوک یا کلروسرطرب... بپزند و در آب و در چهار تا شش ساعتی یک کیسول خوردن والا هر کس از این قبیل گوشت ها که در بیخیال نگاهداری نشده بخورد باید جواز... راهم قبلا تهیه کرده باشد... حالا میخواهید بدانید این کدام فامیل و اهل آن چه کسانی بودند فامیل خود بنده بود و اولین قربانی آن گوشت خود این جانب بودم ولی بعداً جان سلامت بردم و نمردم...

به پنجاه هزار تقاضا وجود دارد که مامورین در صدد تهیه وسائلی هستند تا رفع احتیاج این صدها را بشوند... از این صدها ۱۷۴۰۰ نفر پول و سپرده داده اند و در حقیقت بصورت مشترک های تبه رسمی میباشد... شبکه برق تهران برپور زمان شامل منطقه وسیعی شده است که در شمال منتهی بارتفاعات در بند میشود... در جنوب قسمتی از کوره های آهک و آجرپزی از آن استفاده میکنند... در غرب تا بربانک و در مشرق تا چهاردهم دستگاه وسر آسیاب دولاب استفاده دارد... تا چنان ۱۱۵۰۰ محل مختلف از این کارخانه برق گرفته اند که ۳۸۰۹۴ محل آن در شهر و بقیه در شمران میباشد...

شروع بکار کرد... هر دو نفر یک چراغ! دستگاههای ایجاد کننده برق شهر ما که اکنون نزدیک به ۹۰۰ نفر مهندس... کارمند و کارگر برای بکار انداختن آن و تنظیم کار... ۱۲ نفر انفور ماتور در قسط مختلف شهر فعالیت میکنند دارای قوه محرکه است که از بیخار آب تشکیل میشود... کارخانه اشکودا چهار کوره دارد که در دیگهای سربسته آب تصفیه شده را تبدیل به بخار خشک میکنند... سوخت این کوره ها مازوت یا نفت سیاه است که بوسیله مشعل های مخصوص بداخل کوره هدایت گردیده با حرارت متناسب میسوزد... این کارخانه میتواند از ذغال سنگ هم بعنوان سوخت استفاده کند... کارخانه دیگر برق هم که از نوع وستینگهاوس آمریکائی است به همین نحو و فقط با نفت سیاه کار میکند اما سوخت کارخانه سوم که از دود دستگاه دیزل هزار کیلواتی تشکیل شده گازوئیل است... بطور متوسط این دستگاهها مجموعاً در هر ماه ۳۸۰ تن نفت سیاه بصرف می رسانند تا برق مورد نظرها بوجود آورند...

اتان حرکت میکرد... اولین چراغ برقی که در شهر روشن شد در خانه مرحوم صنیع الدوله بود... صنیع الدوله که بانگونه امور علاقه زیادی داشت در حدود چهل سال قبل یک دستگاه مولد برق از اروپا وارد کرد و از برق آن برای منزل شخصی خویش استفاده نمود...

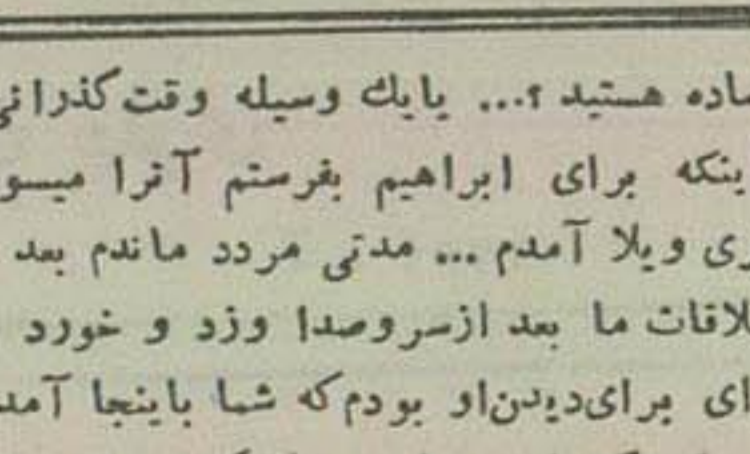
چهل هزار خانه... در سال ۱۳۱۲ شاهنشاه ققید بکارخانه های چکوسلوواکی سفارش تهیه کارخانه برق داد... قسمتهای مختلف کارخانه مزبور در سال ۱۳۱۴ تهران رسید و دوساله بعد نصب شد بهره برداری از آن که شامل چهار توربین ۱۶۰۰ کیلوواتی بود آغاز گردید... سه سال گذشت... در این مدت کم کم مردم متوجه شدند که نیروی برق چه نقش بزرگی را در زندگی آنان دارد و ناگهان بطور غیر منتظره ای برای خرید بوسه برق هجوم بردند... اکنون پس از ۱۸ سال که از این ماجرا میگذرد در اداره برق نزدیک

به پنجاه هزار تقاضا وجود دارد که مامورین در صدد تهیه وسائلی هستند تا رفع احتیاج این صدها را بشوند... از این صدها ۱۷۴۰۰ نفر پول و سپرده داده اند و در حقیقت بصورت مشترک های تبه رسمی میباشد... شبکه برق تهران برپور زمان شامل منطقه وسیعی شده است که در شمال منتهی بارتفاعات در بند میشود... در جنوب قسمتی از کوره های آهک و آجرپزی از آن استفاده میکنند... در غرب تا بربانک و در مشرق تا چهاردهم دستگاه وسر آسیاب دولاب استفاده دارد... تا چنان ۱۱۵۰۰ محل مختلف از این کارخانه برق گرفته اند که ۳۸۰۹۴ محل آن در شهر و بقیه در شمران میباشد...

شروع بکار کرد... هر دو نفر یک چراغ! دستگاههای ایجاد کننده برق شهر ما که اکنون نزدیک به ۹۰۰ نفر مهندس... کارمند و کارگر برای بکار انداختن آن و تنظیم کار... ۱۲ نفر انفور ماتور در قسط مختلف شهر فعالیت میکنند دارای قوه محرکه است که از بیخار آب تشکیل میشود... کارخانه اشکودا چهار کوره دارد که در دیگهای سربسته آب تصفیه شده را تبدیل به بخار خشک میکنند... سوخت این کوره ها مازوت یا نفت سیاه است که بوسیله مشعل های مخصوص بداخل کوره هدایت گردیده با حرارت متناسب میسوزد... این کارخانه میتواند از ذغال سنگ هم بعنوان سوخت استفاده کند... کارخانه دیگر برق هم که از نوع وستینگهاوس آمریکائی است به همین نحو و فقط با نفت سیاه کار میکند اما سوخت کارخانه سوم که از دود دستگاه دیزل هزار کیلواتی تشکیل شده گازوئیل است... بطور متوسط این دستگاهها مجموعاً در هر ماه ۳۸۰ تن نفت سیاه بصرف می رسانند تا برق مورد نظرها بوجود آورند...

شروع بکار کرد... هر دو نفر یک چراغ! دستگاههای ایجاد کننده برق شهر ما که اکنون نزدیک به ۹۰۰ نفر مهندس... کارمند و کارگر برای بکار انداختن آن و تنظیم کار... ۱۲ نفر انفور ماتور در قسط مختلف شهر فعالیت میکنند دارای قوه محرکه است که از بیخار آب تشکیل میشود... کارخانه اشکودا چهار کوره دارد که در دیگهای سربسته آب تصفیه شده را تبدیل به بخار خشک میکنند... سوخت این کوره ها مازوت یا نفت سیاه است که بوسیله مشعل های مخصوص بداخل کوره هدایت گردیده با حرارت متناسب میسوزد... این کارخانه میتواند از ذغال سنگ هم بعنوان سوخت استفاده کند... کارخانه دیگر برق هم که از نوع وستینگهاوس آمریکائی است به همین نحو و فقط با نفت سیاه کار میکند اما سوخت کارخانه سوم که از دود دستگاه دیزل هزار کیلواتی تشکیل شده گازوئیل است... بطور متوسط این دستگاهها مجموعاً در هر ماه ۳۸۰ تن نفت سیاه بصرف می رسانند تا برق مورد نظرها بوجود آورند...

شروع بکار کرد... هر دو نفر یک چراغ! دستگاههای ایجاد کننده برق شهر ما که اکنون نزدیک به ۹۰۰ نفر مهندس... کارمند و کارگر برای بکار انداختن آن و تنظیم کار... ۱۲ نفر انفور ماتور در قسط مختلف شهر فعالیت میکنند دارای قوه محرکه است که از بیخار آب تشکیل میشود... کارخانه اشکودا چهار کوره دارد که در دیگهای سربسته آب تصفیه شده را تبدیل به بخار خشک میکنند... سوخت این کوره ها مازوت یا نفت سیاه است که بوسیله مشعل های مخصوص بداخل کوره هدایت گردیده با حرارت متناسب میسوزد... این کارخانه میتواند از ذغال سنگ هم بعنوان سوخت استفاده کند... کارخانه دیگر برق هم که از نوع وستینگهاوس آمریکائی است به همین نحو و فقط با نفت سیاه کار میکند اما سوخت کارخانه سوم که از دود دستگاه دیزل هزار کیلواتی تشکیل شده گازوئیل است... بطور متوسط این دستگاهها مجموعاً در هر ماه ۳۸۰ تن نفت سیاه بصرف می رسانند تا برق مورد نظرها بوجود آورند...



دارد... یک دوست ساده هستی... یایک وسیله وقت گذرانی... هر روز یک نامه می نوشتم اما بجای اینکه برای ابراهیم فرستم آنرا میسوزاندم... دیروز با اتوموبیل تا باصندتری ویلا آمدم... مدتی مردد ماندم بعد به «کن» برکتم... نینخواستم که اولین ملاقات ما بعد از سروصدا و زود و خورد باشا صورت بگیرد... باز در جستجوی وسیله ای برای دیدن او بودم که شا با اینجا آمدم... خوب ماداموازل با بریک... حالا که بهتر یکدیگر را می شناسیم حالا که من با رقیب با کمال صداقت صحبت کردم بگویند بینم از من چه میخواهید؟

خانم... باید شا وسیله ای پیدا کنید که بدون خبر خود او قبالتش بدهید... برای اینکه او نیداند که شما در «کن» هستید... من باو گفتم که اسم زنی را که برای دیدن او آمده بود نیدانم... واقعا او هیچ نیداند که... نه خانم...

پس عیالنا از حضور من در اینجا چیزی بساو نگویید... صلاح در ایست... چه میخواهید بکنید؟ ماروا دوباره ازجا بلند شده بود... در مقابل پنجره ایستاد... مثل اینکه جواب مسئله خود را در غروب طلائی مدبرانه جستجو میکرد... نگاهان برکت...

جز یک راه برای نجات او نیست... این راه را روز دوشنبه من امتحان خواهم کرد... از حالا نادوشنبه خواهم میگویم بیچوجه نگذارید ابراهیم بفهمد که من در «کن» هستم... وانگهی از فردا دیگر در «کن» نخواهم ماند... از نظر هم مردم غیر از شا نایدید خواهم شد... گفتند شومیرک روز چهارم با اینجا میرسد... حتی است که قیلاز همه کس بدین شا خواهد آمد... بعضی است که از محل افاتش مطلع شدید فوراً بن من خبر بدهید... دنباله اقدامات مربوط بنست...

هر دو شهید... اشکالات ابتدایی کار و عدم آشنائی مردم بچگونگی استفاده از برق باعث شده که اولین شماره های اشتراک برق بنام مؤسست دولتی صادر شود... نخستین برنده برقی برای وزارت کشور تشکیل گردید و شماره دوم اشتراک در اختیار وزارت خارجه قرار گرفت... شماره های بعدی بترتیب به وزارت فرهنگ... موزه و کتابخانه باشگاه افسران و اداره کل شهربانی داده شد و تازه در این هنگام یکی از ساکنین شهر نهایت رشادت را بصیج داد و قبول کرد که بخانه او سیم کشی شود و از برق استفاده کند... این شخص که اکنون شماره هشتم اشتراک بنام اونیت است آقای کاوه میباشد که منزل او در خیابان کاخ قرار داشت و در حقیقت اولین کسی است که از برق دولتی استفاده نمود...

صفا در همین اوان نخستین کابل برق مستقیماً با اداره دخانیات کشیده شد و در یک روز گرم تابستانی اداره مزبور باید دانست که جز این بنگاه برق از برق اختصاصی کلبه کارخانجات دو تی اطراف شهر نیز استفاده کرده در چهار ساعت اول شش ساعت آنها تیر و میگرد و در عرض دوازدهم برق کارخانه های مزبور را تأمین مینماید... این کارخانجات عبارتند از: کارخانه سلطنت آباد... کارخانه سیما... سیلو... بانک ملی... بیمارستان... پانصد تخت خوابی... راه آهن و کارخانه برق دربند... تابلج ۴۲ کارخانه برق خصوصی کوچک و بزرگ نیز تشکیل شده است که بیش از نازدهم هزار خانه روشنی خود را از آنها دریافت میدارند...

شروع بکار کرد... هر دو نفر یک چراغ! دستگاههای ایجاد کننده برق شهر ما که اکنون نزدیک به ۹۰۰ نفر مهندس... کارمند و کارگر برای بکار انداختن آن و تنظیم کار... ۱۲ نفر انفور ماتور در قسط مختلف شهر فعالیت میکنند دارای قوه محرکه است که از بیخار آب تشکیل میشود... کارخانه اشکودا چهار کوره دارد که در دیگهای سربسته آب تصفیه شده را تبدیل به بخار خشک میکنند... سوخت این کوره ها مازوت یا نفت سیاه است که بوسیله مشعل های مخصوص بداخل کوره هدایت گردیده با حرارت متناسب میسوزد... این کارخانه میتواند از ذغال سنگ هم بعنوان سوخت استفاده کند... کارخانه دیگر برق هم که از نوع وستینگهاوس آمریکائی است به همین نحو و فقط با نفت سیاه کار میکند اما سوخت کارخانه سوم که از دود دستگاه دیزل هزار کیلواتی تشکیل شده گازوئیل است... بطور متوسط این دستگاهها مجموعاً در هر ماه ۳۸۰ تن نفت سیاه بصرف می رسانند تا برق مورد نظرها بوجود آورند...

شروع بکار کرد... هر دو نفر یک چراغ! دستگاههای ایجاد کننده برق شهر ما که اکنون نزدیک به ۹۰۰ نفر مهندس... کارمند و کارگر برای بکار انداختن آن و تنظیم کار... ۱۲ نفر انفور ماتور در قسط مختلف شهر فعالیت میکنند دارای قوه محرکه است که از بیخار آب تشکیل میشود... کارخانه اشکودا چهار کوره دارد که در دیگهای سربسته آب تصفیه شده را تبدیل به بخار خشک میکنند... سوخت این کوره ها مازوت یا نفت سیاه است که بوسیله مشعل های مخصوص بداخل کوره هدایت گردیده با حرارت متناسب میسوزد... این کارخانه میتواند از ذغال سنگ هم بعنوان سوخت استفاده کند... کارخانه دیگر برق هم که از نوع وستینگهاوس آمریکائی است به همین نحو و فقط با نفت سیاه کار میکند اما سوخت کارخانه سوم که از دود دستگاه دیزل هزار کیلواتی تشکیل شده گازوئیل است... بطور متوسط این دستگاهها مجموعاً در هر ماه ۳۸۰ تن نفت سیاه بصرف می رسانند تا برق مورد نظرها بوجود آورند...

شروع بکار کرد... هر دو نفر یک چراغ! دستگاههای ایجاد کننده برق شهر ما که اکنون نزدیک به ۹۰۰ نفر مهندس... کارمند و کارگر برای بکار انداختن آن و تنظیم کار... ۱۲ نفر انفور ماتور در قسط مختلف شهر فعالیت میکنند دارای قوه محرکه است که از بیخار آب تشکیل میشود... کارخانه اشکودا چهار کوره دارد که در دیگهای سربسته آب تصفیه شده را تبدیل به بخار خشک میکنند... سوخت این کوره ها مازوت یا نفت سیاه است که بوسیله مشعل های مخصوص بداخل کوره هدایت گردیده با حرارت متناسب میسوزد... این کارخانه میتواند از ذغال سنگ هم بعنوان سوخت استفاده کند... کارخانه دیگر برق هم که از نوع وستینگهاوس آمریکائی است به همین نحو و فقط با نفت سیاه کار میکند اما سوخت کارخانه سوم که از دود دستگاه دیزل هزار کیلواتی تشکیل شده گازوئیل است... بطور متوسط این دستگاهها مجموعاً در هر ماه ۳۸۰ تن نفت سیاه بصرف می رسانند تا برق مورد نظرها بوجود آورند...

شروع بکار کرد... هر دو نفر یک چراغ! دستگاههای ایجاد کننده برق شهر ما که اکنون نزدیک به ۹۰۰ نفر مهندس... کارمند و کارگر برای بکار انداختن آن و تنظیم کار... ۱۲ نفر انفور ماتور در قسط مختلف شهر فعالیت میکنند دارای قوه محرکه است که از بیخار آب تشکیل میشود... کارخانه اشکودا چهار کوره دارد که در دیگهای سربسته آب تصفیه شده را تبدیل به بخار خشک میکنند... سوخت این کوره ها مازوت یا نفت سیاه است که بوسیله مشعل های مخصوص بداخل کوره هدایت گردیده با حرارت متناسب میسوزد... این کارخانه میتواند از ذغال سنگ هم بعنوان سوخت استفاده کند... کارخانه دیگر برق هم که از نوع وستینگهاوس آمریکائی است به همین نحو و فقط با نفت سیاه کار میکند اما سوخت کارخانه سوم که از دود دستگاه دیزل هزار کیلواتی تشکیل شده گازوئیل است... بطور متوسط این دستگاهها مجموعاً در هر ماه ۳۸۰ تن نفت سیاه بصرف می رسانند تا برق مورد نظرها بوجود آورند...

شروع بکار کرد... هر دو نفر یک چراغ! دستگاههای ایجاد کننده برق شهر ما که اکنون نزدیک به ۹۰۰ نفر مهندس... کارمند و کارگر برای بکار انداختن آن و تنظیم کار... ۱۲ نفر انفور ماتور در قسط مختلف شهر فعالیت میکنند دارای قوه محرکه است که از بیخار آب تشکیل میشود... کارخانه اشکودا چهار کوره دارد که در دیگهای سربسته آب تصفیه شده را تبدیل به بخار خشک میکنند... سوخت این کوره ها مازوت یا نفت سیاه است که بوسیله مشعل های مخصوص بداخل کوره هدایت گردیده با حرارت متناسب میسوزد... این کارخانه میتواند از ذغال سنگ هم بعنوان سوخت استفاده کند... کارخانه دیگر برق هم که از نوع وستینگهاوس آمریکائی است به همین نحو و فقط با نفت سیاه کار میکند اما سوخت کارخانه سوم که از دود دستگاه دیزل هزار کیلواتی تشکیل شده گازوئیل است... بطور متوسط این دستگاهها مجموعاً در هر ماه ۳۸۰ تن نفت سیاه بصرف می رسانند تا برق مورد نظرها بوجود آورند...

شروع بکار کرد... هر دو نفر یک چراغ! دستگاههای ایجاد کننده برق شهر ما که اکنون نزدیک به ۹۰۰ نفر مهندس... کارمند و کارگر برای بکار انداختن آن و تنظیم کار... ۱۲ نفر انفور ماتور در قسط مختلف شهر فعالیت میکنند دارای قوه محرکه است که از بیخار آب تشکیل میشود... کارخانه اشکودا چهار کوره دارد که در دیگهای سربسته آب تصفیه شده را تبدیل به بخار خشک میکنند... سوخت این کوره ها مازوت یا نفت سیاه است که بوسیله مشعل های مخصوص بداخل کوره هدایت گردیده با حرارت متناسب میسوزد... این کارخانه میتواند از ذغال سنگ هم بعنوان سوخت استفاده کند... کارخانه دیگر برق هم که از نوع وستینگهاوس آمریکائی است به همین نحو و فقط با نفت سیاه کار میکند اما سوخت کارخانه سوم که از دود دستگاه دیزل هزار کیلواتی تشکیل شده گازوئیل است... بطور متوسط این دستگاهها مجموعاً در هر ماه ۳۸۰ تن نفت سیاه بصرف می رسانند تا برق مورد نظرها بوجود آورند...

شروع بکار کرد... هر دو نفر یک چراغ! دستگاههای ایجاد کننده برق شهر ما که اکنون نزدیک به ۹۰۰ نفر مهندس... کارمند و کارگر برای بکار انداختن آن و تنظیم کار... ۱۲ نفر انفور ماتور در قسط مختلف شهر فعالیت میکنند دارای قوه محرکه است که از بیخار آب تشکیل میشود... کارخانه اشکودا چهار کوره دارد که در دیگهای سربسته آب تصفیه شده را تبدیل به بخار خشک میکنند... سوخت این کوره ها مازوت یا نفت سیاه است که بوسیله مشعل های مخصوص بداخل کوره هدایت گردیده با حرارت متناسب میسوزد... این کارخانه میتواند از ذغال سنگ هم بعنوان سوخت استفاده کند... کارخانه دیگر برق هم که از نوع وستینگهاوس آمریکائی است به همین نحو و فقط با نفت سیاه کار میکند اما سوخت کارخانه سوم که از دود دستگاه دیزل هزار کیلواتی تشکیل شده گازوئیل است... بطور متوسط این دستگاهها مجموعاً در هر ماه ۳۸۰ تن نفت سیاه بصرف می رسانند تا برق مورد نظرها بوجود آورند...

شروع بکار کرد... هر دو نفر یک چراغ! دستگاههای ایجاد کننده برق شهر ما که اکنون نزدیک به ۹۰۰ نفر مهندس... کارمند و کارگر برای بکار انداختن آن و تنظیم کار... ۱۲ نفر انفور ماتور در قسط مختلف شهر فعالیت میکنند دارای قوه محرکه است که از بیخار آب تشکیل میشود... کارخانه اشکودا چهار کوره دارد که در دیگهای سربسته آب تصفیه شده را تبدیل به بخار خشک میکنند... سوخت این کوره ها مازوت یا نفت سیاه است که بوسیله مشعل های مخصوص بداخل کوره هدایت گردیده با حرارت متناسب میسوزد... این کارخانه میتواند از ذغال سنگ هم بعنوان سوخت استفاده کند... کارخانه دیگر برق هم که از نوع وستینگهاوس آمریکائی است به همین نحو و فقط با نفت سیاه کار میکند اما سوخت کارخانه سوم که از دود دستگاه دیزل هزار کیلواتی تشکیل شده گازوئیل است... بطور متوسط این دستگاهها مجموعاً در هر ماه ۳۸۰ تن نفت سیاه بصرف می رسانند تا برق مورد نظرها بوجود آورند...

پس از اینکه بهار آب تشکیل شد و درجه حرارت آن تا حد زیادی بالا رفت که بر روی فلزات موثر واقع نکرد بوسیله لوله هائی به خود تدریج منتقل شده سبب حرکت آن میشود و این گردش سریع که بالغ بر پنجاه دور در ثانیه است ژنراتور متصل بخود را بگردش در می آورد و در نتیجه در داخل سیمها جریانی بوجود می آید که بعد از گذشتن از کابل ها از ترانسفور و ماتورها آماده برای استفاده خواهد بود...

در حال حاضر کارخانه برق مجبوعا در کارخانه بیست هزار کیلوواتی است و بنا در نظر گرفتن اینکه هر کیلوات بیست چراغ پنجاه وات را روشن میکند میتوان گفت که در حقیقت هر دو نفر از مردم شهر ما میتوانند از روشنائی یک چراغ پنجاه وات استفاده کنند... فلاغیر از کارخانه اشکودا که قبلاً ذکر از آن شد برای تأمین برق شهر یک کارخانه وستینگهاوس هشت هزار کیلوواتی... دودیزل هر یک بقدرت هزار کیلووات و یک دستگاه دوهزار کیلوواتی متناوباً با یاهم کار میکنند... دو دستگاه پنجاه هزار کیلوواتی نیز خریداری شده که در زمستان سال آینده از آن استفاده خواهد شد و قرار داد کارخانه پنجاه هزار کیلوواتی آن هم در جریان است...

باید دانست که جز این بنگاه برق از برق اختصاصی کلبه کارخانجات دو تی اطراف شهر نیز استفاده کرده در چهار ساعت اول شش ساعت آنها تیر و میگرد و در عرض دوازدهم برق کارخانه های مزبور را تأمین مینماید... این کارخانجات عبارتند از: کارخانه سلطنت آباد... کارخانه سیما... سیلو... بانک ملی... بیمارستان... پانصد تخت خوابی... راه آهن و کارخانه برق دربند... تابلج ۴۲ کارخانه برق خصوصی کوچک و بزرگ نیز تشکیل شده است که بیش از نازدهم هزار خانه روشنی خود را از آنها دریافت میدارند...

شروع بکار کرد... هر دو نفر یک چراغ! دستگاههای ایجاد کننده برق شهر ما که اکنون نزدیک به ۹۰۰ نفر مهندس... کارمند و کارگر برای بکار انداختن آن و تنظیم کار... ۱۲ نفر انفور ماتور در قسط مختلف شهر فعالیت میکنند دارای قوه محرکه است که از بیخار آب تشکیل میشود... کارخانه اشکودا چهار کوره دارد که در دیگهای سربسته آب تصفیه شده را تبدیل به بخار خشک میکنند... سوخت این کوره ها مازوت یا نفت سیاه است که بوسیله مشعل های مخصوص بداخل کوره هدایت گردیده با حرارت متناسب میسوزد... این کارخانه میتواند از ذغال سنگ هم بعنوان سوخت استفاده کند... کارخانه دیگر برق هم که از نوع وستینگهاوس آمریکائی است به همین نحو و فقط با نفت سیاه کار میکند اما سوخت کارخانه سوم که از دود دستگاه دیزل هزار کیلواتی تشکیل شده گازوئیل است... بطور متوسط این دستگاهها مجموعاً در هر ماه ۳۸۰ تن نفت سیاه بصرف می رسانند تا برق مورد نظرها بوجود آورند...

شروع بکار کرد... هر دو نفر یک چراغ! دستگاههای ایجاد کننده برق شهر ما که اکنون نزدیک به ۹۰۰ نفر مهندس... کارمند و کارگر برای بکار انداختن آن و تنظیم کار... ۱۲ نفر انفور ماتور در قسط مختلف شهر فعالیت میکنند دارای قوه محرکه است که از بیخار آب تشکیل میشود... کارخانه اشکودا چهار کوره دارد که در دیگهای سربسته آب تصفیه شده را تبدیل به بخار خشک میکنند... سوخت این کوره ها مازوت یا نفت سیاه است که بوسیله مشعل های مخصوص بداخل کوره هدایت گردیده با حرارت متناسب میسوزد... این کارخانه میتواند از ذغال سنگ هم بعنوان سوخت استفاده کند... کارخانه دیگر برق هم که از نوع وستینگهاوس آمریکائی است به همین نحو و فقط با نفت سیاه کار میکند اما سوخت کارخانه سوم که از دود دستگاه دیزل هزار کیلواتی تشکیل شده گازوئیل است... بطور متوسط این دستگاهها مجموعاً در هر ماه ۳۸۰ تن نفت سیاه بصرف می رسانند تا برق مورد نظرها بوجود آورند...

شروع بکار کرد... هر دو نفر یک چراغ! دستگاههای ایجاد کننده برق شهر ما که اکنون نزدیک به ۹۰۰ نفر مهندس... کارمند و کارگر برای بکار انداختن آن و تنظیم کار... ۱۲ نفر انفور ماتور در قسط مختلف شهر فعالیت میکنند دارای قوه محرکه است که از بیخار آب تشکیل میشود... کارخانه اشکودا چهار کوره دارد که در دیگهای سربسته آب تصفیه شده را تبدیل به بخار خشک میکنند... سوخت این کوره ها مازوت یا نفت سیاه است که بوسیله مشعل های مخصوص بداخل کوره هدایت گردیده با حرارت متناسب میسوزد... این کارخانه میتواند از ذغال سنگ هم بعنوان سوخت استفاده کند... کارخانه دیگر برق هم که از نوع وستینگهاوس آمریکائی است به همین نحو و فقط با نفت سیاه کار میکند اما سوخت کارخانه سوم که از دود دستگاه دیزل هزار کیلواتی تشکیل شده گازوئیل است... بطور متوسط این دستگاهها مجموعاً در هر ماه ۳۸۰ تن نفت سیاه بصرف می رسانند تا برق مورد نظرها بوجود آورند...

شروع بکار کرد... هر دو نفر یک چراغ! دستگاههای ایجاد کننده برق شهر ما که اکنون نزدیک به ۹۰۰ نفر مهندس... کارمند و کارگر برای بکار انداختن آن و تنظیم کار... ۱۲ نفر انفور ماتور در قسط مختلف شهر فعالیت میکنند دارای قوه محرکه است که از بیخار آب تشکیل میشود... کارخانه اشکودا چهار کوره دارد که در دیگهای سربسته آب تصفیه شده را تبدیل به بخار خشک میکنند... سوخت این کوره ها مازوت یا نفت سیاه است که بوسیله مشعل های مخصوص بداخل کوره هدایت گردیده با حرارت متناسب میسوزد... این کارخانه میتواند از ذغال سنگ هم بعنوان سوخت استفاده کند... کارخانه دیگر برق هم که از نوع وستینگهاوس آمریکائی است به همین نحو و فقط با نفت سیاه کار میکند اما سوخت کارخانه سوم که از دود دستگاه دیزل هزار کیلواتی تشکیل شده گازوئیل است... بطور متوسط این دستگاهها مجموعاً در هر ماه ۳۸۰ تن نفت سیاه بصرف می رسانند تا برق مورد نظرها بوجود آورند...

شروع بکار کرد... هر دو نفر یک چراغ! دستگاههای ایجاد کننده برق شهر ما که اکنون نزدیک به ۹۰۰ نفر مهندس... کارمند و کارگر برای بکار انداختن آن و تنظیم کار... ۱۲ نفر انفور ماتور در قسط مختلف شهر فعالیت میکنند دارای قوه محرکه است که از بیخار آب تشکیل میشود... کارخانه اشکودا چهار کوره دارد که در دیگهای سربسته آب تصفیه شده را تبدیل به بخار خشک میکنند... سوخت این کوره ها مازوت یا نفت سیاه است که بوسیله مشعل های مخصوص بداخل کوره هدایت گردیده با حرارت متناسب میسوزد... این کارخانه میتواند از ذغال سنگ هم بعنوان سوخت استفاده کند... کارخانه دیگر برق هم که از نوع وستینگهاوس آمریکائی است به همین نحو و فقط با نفت سیاه کار میکند اما سوخت کارخانه سوم که از دود دستگاه دیزل هزار کیلواتی تشکیل شده گازوئیل است... بطور متوسط این دستگاهها مجموعاً در هر ماه ۳۸۰ تن نفت سیاه بصرف می رسانند تا برق مورد نظرها بوجود آورند...

شروع بکار کرد... هر دو نفر یک چراغ! دستگاههای ایجاد کننده برق شهر ما که اکنون نزدیک به ۹۰۰ نفر مهندس... کارمند و کارگر برای بکار انداختن آن و تنظیم کار... ۱۲ نفر انفور ماتور در قسط مختلف شهر فعالیت میکنند دارای قوه محرکه است که از بیخار آب تشکیل میشود... کارخانه اشکودا چهار کوره دارد که در دیگهای سربسته آب تصفیه شده را تبدیل به بخار خشک میکنند... سوخت این کوره ها مازوت یا نفت سیاه است که بوسیله مشعل های مخصوص بداخل کوره هدایت گردیده با حرارت متناسب میسوزد... این کارخانه میتواند از ذغال سنگ هم بعنوان سوخت استفاده کند... کارخانه دیگر برق هم که از نوع وستینگهاوس آمریکائی است به همین نحو و فقط با نفت سیاه کار میکند اما سوخت کارخانه سوم که از دود دستگاه دیزل هزار کیلواتی تشکیل شده گازوئیل است... بطور متوسط این دستگاهها مجموعاً در هر ماه ۳۸۰ تن نفت سیاه بصرف می رسانند تا برق مورد نظرها بوجود آورند...

شروع بکار کرد... هر دو نفر یک چراغ! دستگاههای ایجاد کننده برق شهر ما که اکنون نزدیک به ۹۰۰ نفر مهندس... کارمند و کارگر برای بکار انداختن آن و تنظیم کار... ۱۲ نفر انفور ماتور در قسط مختلف شهر فعالیت میکنند دارای قوه محرکه است که از بیخار آب تشکیل میشود... کارخانه اشکودا چهار کوره دارد که در دیگهای سربسته آب تصفیه شده را تبدیل به بخار خشک میکنند... سوخت این کوره ها مازوت یا نفت سیاه است که بوسیله مشعل های مخصوص بداخل کوره هدایت گردیده با حرارت متناسب میسوزد... این کارخانه میتواند از ذغال سنگ هم بعنوان سوخت استفاده کند... کارخانه دیگر برق هم که از نوع وستینگهاوس آمریکائی است به همین نحو و فقط با نفت سیاه کار میکند اما سوخت کارخانه سوم که از دود دستگاه دیزل هزار کیلواتی تشکیل شده گازوئیل است... بطور متوسط این دستگاهها مجموعاً در هر ماه ۳۸۰ تن نفت سیاه بصرف می رسانند تا برق مورد نظرها بوجود آورند...



شروع بکار کرد... هر دو نفر یک چراغ! دستگاههای ایجاد کننده برق شهر ما که اکنون نزدیک به ۹۰۰ نفر مهندس... کارمند و کارگر برای بکار انداختن آن و تنظیم کار... ۱۲ نفر انفور ماتور در قسط مختلف شهر فعالیت میکنند دارای قوه محرکه است که از بیخار آب تشکیل میشود... کارخانه اشکودا چهار کوره دارد که در دیگهای سربسته آب تصفیه شده را تبدیل به بخار خشک میکنند... سوخت این کوره ها مازوت یا نفت سیاه است که بوسیله مشعل های مخصوص بداخل کوره هدایت گردیده با حرارت متناسب میسوزد... این کارخانه میتواند از ذغال سنگ هم بعنوان سوخت استفاده کند... کارخانه دیگر برق هم که از نوع وستینگهاوس آمریکائی است به همین نحو و فقط با نفت سیاه کار میکند اما سوخت کارخانه سوم که از دود دستگاه دیزل هزار کیلواتی تشکیل شده گازوئیل است... بطور متوسط این دستگاهها مجموعاً در هر ماه ۳۸۰ تن نفت سیاه بصرف می رسانند تا برق مورد نظرها بوجود آورند...

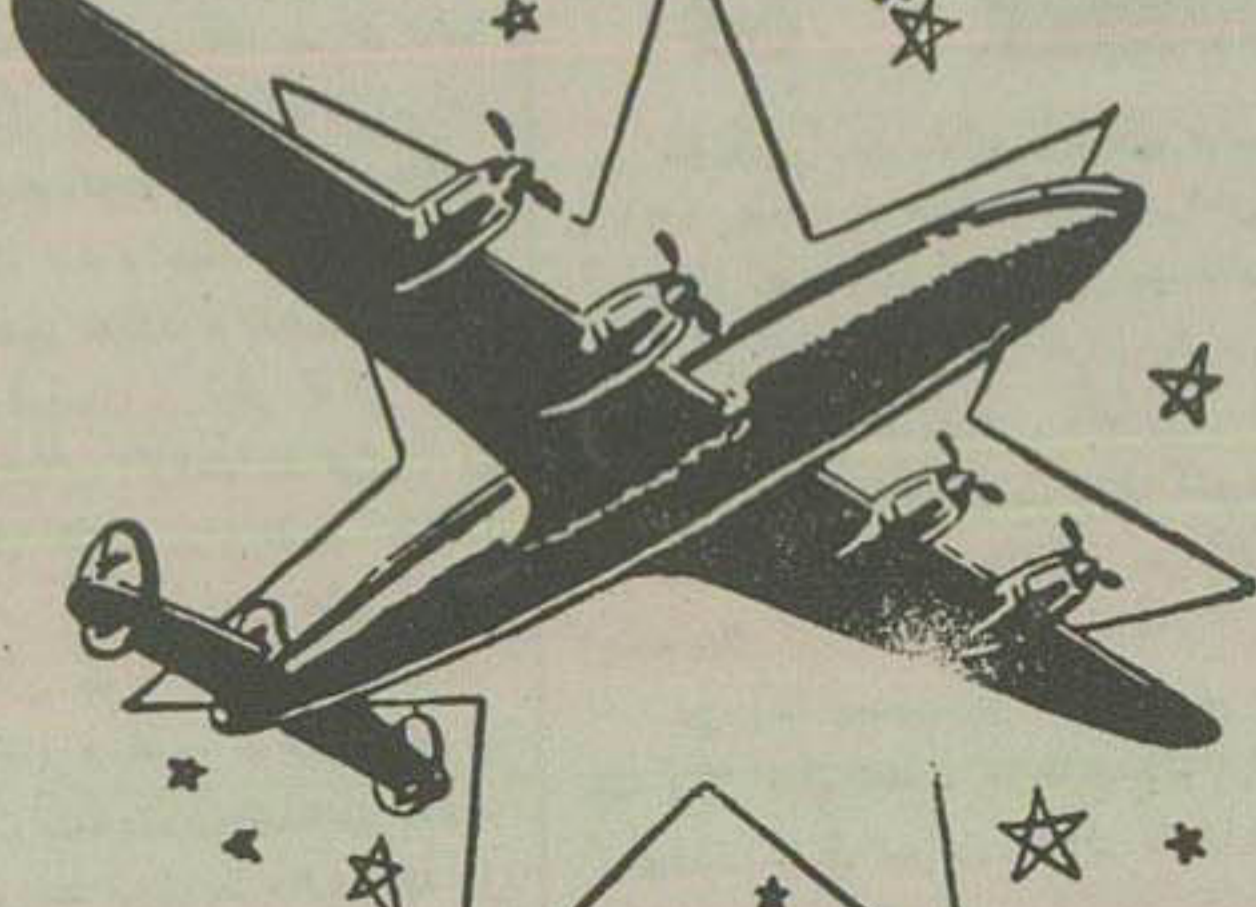
شروع بکار کرد... هر دو نفر یک چراغ! دستگاههای ایجاد کننده برق شهر ما که اکنون نزدیک به ۹۰۰ نفر مهندس... کارمند و کارگر برای بکار انداختن آن و تنظیم کار... ۱۲ نفر انفور ماتور در قسط مختلف شهر فعالیت میکنند دارای قوه محرکه است که از بیخار آب تشکیل میشود... کارخانه اشکودا چهار کوره دارد که در دیگهای سربسته آب تصفیه شده را تبدیل به بخار خشک میکنند... سوخت این کوره ها مازوت یا نفت سیاه است که بوسیله مشعل های مخصوص بداخل کوره هدایت گردیده با حرارت متناسب میسوزد... این کارخانه میتواند از ذغال سنگ هم بعنوان سوخت استفاده کند... کارخانه دیگر برق هم که از نوع وستینگهاوس آمریکائی است به همین نحو و فقط با نفت سیاه کار میکند اما سوخت کارخانه سوم که از دود دستگاه دیزل هزار کیلواتی تشکیل شده گازوئیل است... بطور متوسط این دستگاهها مجموعاً در هر ماه ۳۸۰ تن نفت سیاه بصرف می رسانند تا برق مورد نظرها بوجود آورند...

شروع بکار کرد... هر دو نفر یک چراغ! دستگاههای ایجاد کننده برق شهر ما که اکنون نزدیک به ۹۰۰ نفر مهندس... کارمند و کارگر برای بکار انداختن آن و تنظیم کار... ۱۲ نفر انفور ماتور در قسط مختلف شهر فعالیت میکنند دارای قوه محرکه است که از بیخار آب تشکیل میشود... کارخانه اشکودا چهار کوره دارد که در دیگهای سربسته آب تصفیه شده را تبدیل به بخار خشک میکنند... سوخت این کوره ها مازوت یا نفت سیاه است که بوسیله مشعل های مخصوص بداخل کوره هدایت گردیده با حرارت متناسب میسوزد... این کارخانه میتواند از ذغال سنگ هم بعنوان سوخت استفاده کند... کارخانه دیگر برق هم که از نوع وستینگهاوس آمریکائی است به همین نحو و فقط با نفت سیاه کار میکند اما سوخت کارخانه سوم که از دود دستگاه دیزل هزار کیلواتی تشکیل شده گازوئیل است... بطور متوسط این دستگاهها مجموعاً در هر ماه ۳۸۰ تن نفت سیاه بصرف می رسانند تا برق مورد نظرها بوجود آورند...

شروع بکار کرد... هر دو نفر یک چراغ! دستگاههای ایجاد کننده برق شهر ما که اکنون نزدیک به ۹۰۰ نفر مهندس... کارمند و کارگر برای بکار انداختن آن و تنظیم کار... ۱۲ نفر انفور ماتور در قسط مختلف شهر فعالیت میکنند دارای قوه محرکه است که از بیخار آب تشکیل میشود... کارخانه اشکودا چهار کوره دارد که در دیگهای سربسته آب تصفیه شده را تبدیل به بخار خشک میکنند... سوخت این کوره ها مازوت یا نفت سیاه است که بوسیله مشعل های مخصوص بداخل کوره هدایت گردیده با حرارت متناسب میسوزد... این کارخانه میتواند از ذغال سنگ هم بعنوان سوخت استفاده کند... کارخانه دیگر برق هم که از نوع وستینگهاوس آمریکائی است به همین نحو و فقط با نفت سیاه کار میکند اما سوخت کارخانه سوم که از دود دستگاه دیزل هزار کیلواتی تشکیل شده گازوئیل است... بطور متوسط این دستگاهها مجموعاً در هر ماه ۳۸۰ تن نفت سیاه بصرف می رسانند تا برق مورد نظرها بوجود آورند...

شروع بکار کرد... هر دو نفر یک چراغ! دستگاههای ایجاد کننده برق شهر ما که اکنون نزدیک به ۹۰۰ نفر مهندس... کارمند و کارگر برای بکار انداختن آن و تنظیم کار... ۱۲ نفر انفور ماتور در قسط مختلف شهر فعالیت میکنند دارای قوه محرکه است که از بیخار آب تشکیل میشود... کارخانه اشکودا چهار کوره دارد که در دیگهای سربسته آب تصفیه شده را تبدیل به بخار خشک میکنند... سوخت این کوره ها مازوت یا نفت سیاه است که بوسیله مشعل های مخصوص بداخل کوره هدایت گردیده با حرارت متناسب میسوزد... این کارخانه میتواند از ذغال سنگ هم بعنوان سوخت استفاده کند... کارخانه دیگر برق هم که از نوع وستینگهاوس آمریکائی است به همین نحو و فقط با نفت سیاه کار میکند اما سوخت کارخانه سوم که از دود دستگاه دیزل هزار کیلواتی تشکیل شده گازوئیل است... بطور متوسط این دستگاهها مجموعاً در هر ماه ۳۸۰ تن نفت سیاه بص

با کنتسلاسیون که معرفت جهانی دارد



لندن پرواز کنید

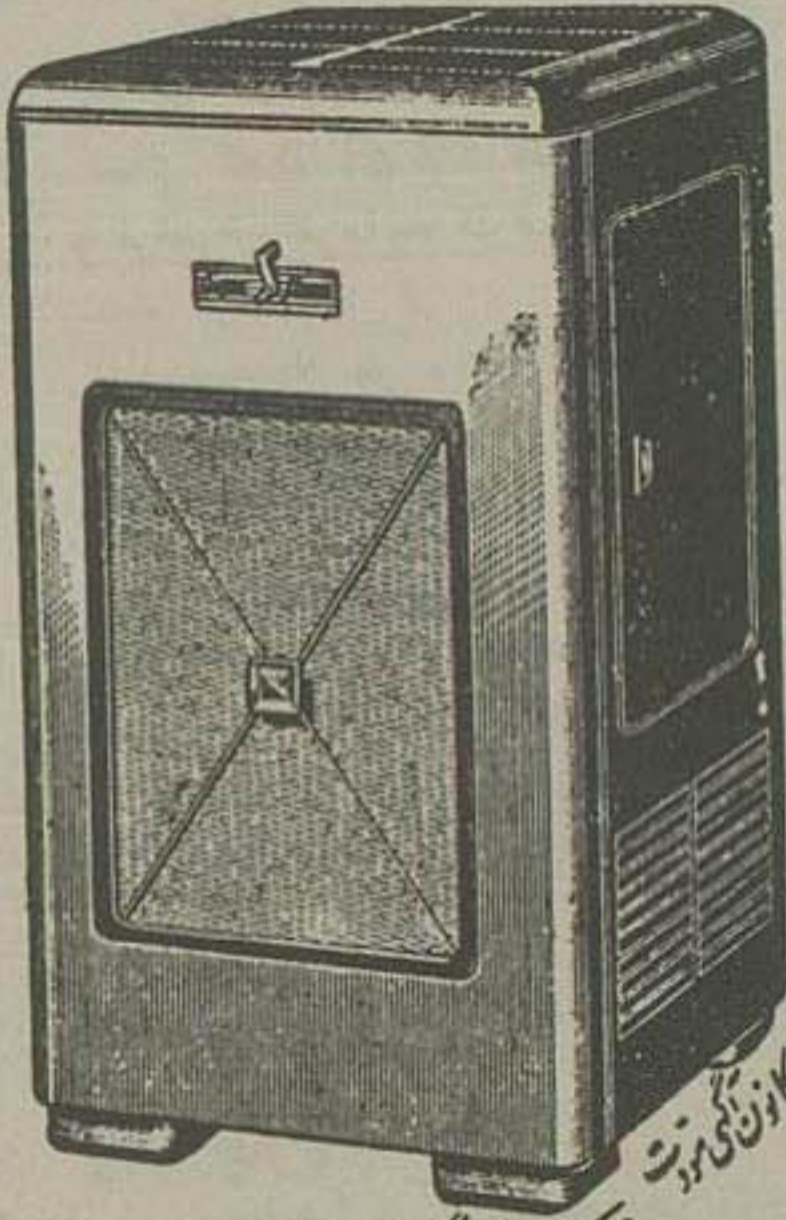
با سرویس «ماجستیک» هوایی چهارموتوره کنتسلاسیون بی. او. سی. از آبادان و با بنداد مسافرت کنید و از نظم و ترتیب، سرعت و رفاهیت آن برخوردار شوید. در هوایی غذا های لذیذ و مشروبات گوارا برایتان داده میشود. از ابتدای مسافرت تا مقصد از شما پذیرائی مخصوص بعمل میاید. از تهران وسایل سریع و آسان به آبادان و بنداد موجود است بی. او. سی. از شما خوب مواظبت میکند

برای کسب اطلاع و تهیه جا بترک حمل و نقل ایران و ترکیه خیابان فردوسی ۵۱۲ تلفن ۴۵۸۱۱ و ۴۷۲۶۲ و یا سایر آژانس های مسافری مراجعه فرمائید

B.O.A.C. **بریتیش اوورسی**
BRITISH OVERSEAS AIRWAYS CORPORATION
R 1-400

۱۷۶۵۰-آ

بخاریهای سوپر فلیم



محصول بزرگترین کارخانه آمریکا
از حیث زیبایی رنگ آمیزی
حرارت بی نظیر است
بخاری سوپر فلیم
بترین قیمت است
اطلاعاتی شماست

نشانی: شرکت بزرگانی دیتون شاهرضا چهارراه کالج تلفن ۴۰۹۲۰ - میگرانی دیتون

۱۷۷۵۸-آ

تشکر
از آقایان همکاران محترم و ذوات مقدس حجج اسلام که در این سفر برنده منت گذارده و دین فرموده اندسیاس گذارو نظر بازدید کارهای شخصی و تراکم اموداداری چون نمیتوان بیش از این توقف نمود و بهریریک فردآفرد نمیتوان بازدید مرسوم شرفیابی حاصل کرد بدینوسیله بوشش خواسته امید است که درآتیبه جبران شود.

دکتر محمد ایمان شیراز
۱۷۷۹۱-آ

حسن انتصاب
کارکنان و آموزگاران دبستان فاطمیه شهری انتصاب آقای دکتر حسینی و کلی را بعاونت اداره فرهنگ حومه تبریک گفته و این انتصاب بجارا بجناب آقای وزیر محبوب فرهنگ تهنیت عرض مینمایند.

عبدالعظیم حمیدی - اعتمادی - علاء الدینی -
ضیاءالدین مقیمی - زراقی - رودگر منزله - کیهانی
احمدی - عسکریان - حکیمی - لقمانی
۱۷۷۰۴ - آ

توجه فرمائید
طبق پروانه شماره ۴۱۰ امتیاز انجمن ارتباطات پنا آتانی سید حسین صدرشیرازی صادر - وابستگان بانجمن میتوانند هر هفته ساعت ۶ و نیم بعداز ظهر چهار شنبه بر مرکز اصلی انجمن دروازه شیران دفتر روزنامه صدراسلام مراجعه فرمایند تلفن ۳۳۲۶۵

سخنگوی انجمن سید محمد تقی صدرالثروی
۱۷۶۸۰-آ

دفتر مشاوره املاک
خریدار برای اطراف جاده گرج دردن
خیابان فردوسی مقابل بانک ملی تلفن ۳۸۰۶۲
۱۷۷۵۹-آ



روشنیهای شهر تهران
بقیه از صفحه ۵

سال ۱۳۱۲ ایجاد شد و سه سال بعد بهره برداری از آن آغاز گردید. در آن هنگام نام آن مؤسسه برق تهران بود که بعداً تبدیل باداره و سپس بنگاه گردید.

در سال ۱۳۱۹ دستور خرید کارخانه جدید برق که ده هزار کیلووات قدرت داشت داده شد اما با بروز جنگ و ترقی قیمت مواد اولیه در اکثر کشورها تحویل آن میسر نشد و هنوز هم مذاکرات طرفین بجائی نرسیده است. تیسار آجودای مدیر کل فنی بنگاه برق اظهار میداشت: «بارسین دستگاه های جدید میوان مطنشد که برق شهر تقریباً تأمین میگردد و قصبه بازار سیاه بکلی منتفی میشود. ماکوشش می کنیم که بکروز با تهیه وسائل بهر مراجعه کنندهای بدون تأمل برق بدیم»

این بود داستان روشنائی های شهرما. داستان چراغهای بدون غنی که زمانی مردم آنرا دام خطرناکی تصور میکردند و اکنون برای افتادن در این دام تلاش میکنند و توبت میکنند تا بس ازسالها از آن استفاده کنند. آیا هیچگاه تصور کرده اید که اگر این روشنائی بتاریکی تبدیل شود چه اتفاقی خواهد افتاد. در آن هنگام صدای راديوها قطع میشود، خیابانهای خلوغ که روشنائی خیره کننده برق با آنها جلال میبخشد خلوت میگردد، سینهها و بیساری از کتفهها تعطیل شده من وشمام ناچاریم که مثل چندسال پیش فانوس بخریم و همراه خود فانوس کش داشته باشیم!

۱۸ تله موش!
کریسون - (ایتالیا) (فنیچرو) وارد مغازه خود شد و بسا کمال تعجب مشاهده کرد موشی که در مغازه او میباید هیچله لیره کافتی او را خورده است وی بلافاصله ۱۸ تله موش که از این رفته بود در گوشه و کنار مغازه گذاشت تا موش بول خورده را دستگیر سازد و انتقامش را اذاد بگیرد.

خامهای هنرمند بخاطر
بپرد
۱۷۷۶۰-آ

فرهنگ گان بخاری کلمن



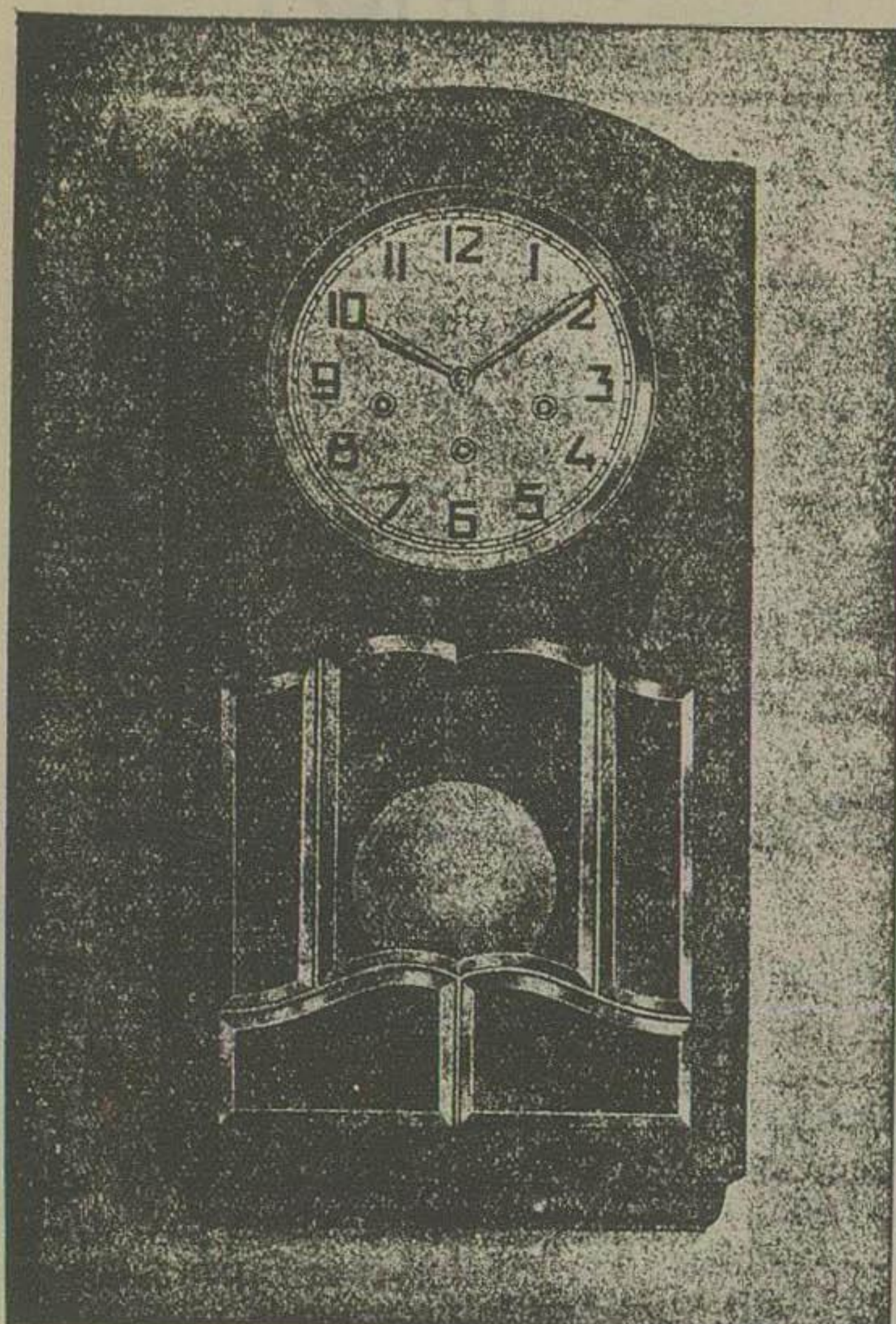
- | | | |
|--------------|-----------------------------------|------------|
| فروشگاه کلمن | چهار راه لاله زار | تلفن ۳۹۱۰۸ |
| دیزل و ایت | اول سوم اسفند خیابان فردوسی | » ۲۶۹۲۳ |
| تهران نو | خیابان فردوسی | » ۲۱۶۴۲ |
| کلای جهان | روبروی سفارت انگلیس خیابان فردوسی | » ۲۷۰۱۸ |
| کلای سوئیس | اسلامبول | ((۲۶۱۲۴ |
| کلبیا | اسلامبول | ((۲۶۰۷۲ |
| موژان | خیابان نادری | ((۴۱۱۱۸ |
| وایت استار | خیابان منوچهری | ((۲۷۲۹۵ |
| شعله | لاله زارنو | » ۳۲۳۶۲ |
| آقای شریفی | چهارراه یوسف آباد خیابان نادری | - |
| لیتتون | جنب ویلا خیابان شاهرضا | » ۴۶۲۶۸ |
| نیلی | روبروی کالج خیابان شاهرضا | - |
| فروشگاه کلمن | تبریز - خیابان پهلوی | - |
- ۱۷۷۳۱ - آ

دوگلاس - ۷ ب **سرعترین وسیله مسافرت با آمریکا**

DC 7B
PAA
PAN AMERICAN WORLD AIRWAYS
CLIPPER

فقط در اختیار پان آمریکن است
پان آمریکن خیابان حافظ چهارراه کالج تلفن ۴۱۲۲۲

ایران



کارخانه ساعت سازی آلان معروف به سه ستاره اخیراً ساعتی را به زین را به نحو اکمل ساخته و بایران صادر نموده است. ساعتی این کارخانه شهرت جهانی دارد. از ساعت فروشیهای معتبر امتیاز فرمایید.

شرکت صمیمی با مسئولیت محدود Cordial Company Limited

سرای چیت ساز تهران - تلفن ۲۶۰۷۱۰۲۳۸۸۲ - آ ۱۷۷۲۷-۲

ابراز تنفر



اینجناب صفرعلی عوض فرزند عزیز شهرت نبات علی اوغلی دارنده شناسنامه شماره ۵۹۵۲ صادره از اردیبهشت سال ۱۳۰۲ بدینوسیله به هم میهنان عزیزم اعلام میدارم که ندانسته از طرف متنی خان بیوطن اغفال شده و بجز غیر قانونی منحل نموده که باعث بدبختی و بیچارگی بنده و امثال بنده شده اند که در این ضمن با ابراز از اجازت بجزب نموده اعلام میدارم و مرا تشریف دوستی خود را بجم هم میهنان گرامی اعلام میدارم.

زند بادشاهنشاه ایران محمدرضا شاه پهلوی بدر تاجدار ملت ایران. مرگ بر سران حزب خائن و منفور نموده.

باینده و برقرار باد دین مبین اسلام صفرعلی عوض نبات اوغلی آ ۱۷۷۶۸-۲

گشیک پز شکان

آقای دکتر بهبهانی خیابان ایران - ایستگاه سقا باشی - کاشی ۲۵۴ آقای دکتر آریا خیابان تیرخاکی دست چپ کاشی ۱۲



تیغ های هیدروماژیک اورشارپ

برای دوام بیشتر طبق اصول فنی باریق تیز شده اند و بطوری دقیق میباشند که میتوان آنرا به تمام خود تراش های اورشارپ نصب نمود.



EVERSHARP HYDRO-MAGIC

۱۷۷۶۴-۲

خراسانیهای مقیم تهران عکاسه خانه برادران مانی

تصحیح اکھی بتاريخ ۳۴۸۸۲۵ بیرو آکھی مورخ ۳۴۸۳۰ موضوع درخواست حضورات آقای جواد کدخدازاده که نام خانوادگی محمود احد از ورته در روزنامه معلی شیر مراد قید و درج گردیده مبنی بر اشتباه است و لذا طبق درخواست منقاضی در تاریخ فوق دادگاه شعبه اول بخش طهران تصدیق امضاء کنند و بر آکھی مذکور تصحیح و توضیح میدهد که نام خانوادگی مشارالیه شیرسوزامیباشد. دادرش شعبه اول دادگاه بخش طهران - محمد رحیم زند ۱۷۷۲۳-۲



دروست آخر کافی است ۱۷۷۶۶-۲

حضورات بتاريخ ۳۴۸۸۱ آقای حسن نانظان شناسنامه شماره ۱۱۷۷۷ حوزه ۸ تهران باستاند یک برک استشهاد و رونوشت وصیت نامه و رونوشت شناسنامه خود و رونوشت شناسنامه دیگر واصل شناسنامه باطل شده متوفاه درخواستی بخواسته حضر وراثت بدادگاه بخش تهران تقدیم داشته که بنحی اول ارجاع و به شماره ۲۱۶۹۳۴ ثبت گردیده و چنین توضیح داده است که مرحومه محترم آقا نجفی شناسنامه ۳۵۶۶ تهران فرزند غلامعلی و خورشید جهان در تاریخ ۳۴۸۳۰ در تهران محل اقامت خود فوت شده و ورثه منحصر حین الفوتش عبارتند از متناهی زوج ولی اکبر آقا نجفی شناسنامه ۳۵۴۴ حوزه ۵ تهران و حسین آقا نجفی شناسنامه ۳۵۴۳ حوزه ۵ تهران برادران ابونبی متوفاه پس از استماع گواهی گواهان مراتب فوت متوفای ماهی یکبار در روزنامه رسمی شاهنشاهی و یکی از اجراء کثیر الا نشاء معلی آکھی میشود تا چنانچه نسبت باین درخواست اعتراض یا وصیت نامه از متوفی نزد کسی باشد ظرف سه ماه از تاریخ نشر اولین آکھی بدادگاه تقدیم دارد والا با انقضای مدت مقرر عدم وصول اعتراض بر حسب تناخا اقدام خواهد شد و نیز هر وقت متناهی سوای رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلا اثر خواهد بود دادرش شعبه اول دادگاه بخش تهران محمد رحیم زند ۳۴۸۸۲۶ آ ۱۷۷۰۹-۲

جدول جمعه شماره ۱۰. A 13x13 grid for a crossword puzzle.

۱- روزنامه را در وقت بزرگ شاید آنرا در صفحه اول پیدا کنید ۲- فردا نعت وزیر همراه هیئت برای شرکت در آن حرکت خواهد کرد ۳- اجرت کلبه برج ماه گذشته - خار شکسته ۴- تعیین آن از وظایف شهرداری است - گرد آورده ۵- تاسرش را بر برید اورا پیدا نمی کنید - بالاشین - عنوان شاهنشاه نقید ۶- از هراهران نعت وزیر در سفر بغداد از ادا نشکده ها ۷- بایان هر چیز - نمک بیاض میوه ها تا قابل خوردن شود - ضریبی است دستور لازم الاجرا ۸- تا بعد تا بایاد از هر رنگی در آن باشد - طره کیسو ۹- اگر تمام میشد اگر میشد - یکی از ادا نشکده ها امسال دوره اش را افتتاح کرد ۱۰- از رسته های مهم و پرد آمد مالیاتی ۱۱- البته زیادش مایه ترقی میشود - کشوری در اروپا ۱۲- برای حمایت مبتلایان آن جمعیتی داریم ۱۳- محبوب معصوم - چند ماه پیش افشای اسرار کنفرانس آن در جرجان فوغالی بر پا کرد ۱۴- این روزها باردیگر موضوع گفتگوی محافل سیاسی جهان شده است. ۱۵- از بهترین بیلاقات نسبتاً دودست تهران - نقد در خور اشتناص و تقاضا محترم است - کم کم دارد توی لوله می رود ۱۶- خود را با آب و آتش میزند تا شاد از اوضاع ایران و جهان با خبر سازد ۱۷- باید چنین بود تا در کارها توفیق بیست آورد - رومی در اروپا - تکرار یک حرف - اسم عربی آنرا رومی یکی از نگاههای دولتی گذاشته اند - تصدیق آلمانی ۱۸- اگر دو تا باشد تازه یکی میشود - از نگاههای معروف و قدیمی ۱۹- یکی از نگاههای مستل - زبان ساز بایک حرف اضافه - بر سر آن میروند و جان شیرین فدا می کنند ۲۰- تازه و دلنشین - جنس لیلیف را نیز باین حیوان شریف تشبیه کرده اند ۲۱- از سامانهای ارتش - لقبی است انگلیسی ۲۲- اجاره نشین - جانی برای هر پسر بر د ۲۳- کیک فرنگی - عیب میوه - متخصم ۲۴- از جاهای نفت خیز ایران - تل و ز کون ۲۵- یکی از ادا نشکده ها - سراز با نشاختن - نه از شادمانی بلکه از ادا نشکده ۲۶- ضریبی است - سیاستمدار صنعتگر و معدنی

Advertisement for Vicks VapoRub cough syrup. Includes text: 'کشف جدید! بدو طریق سرفه فوراً برطرف میشود' and an image of the product bottle.

Advertisement for Perfection cigarettes. Includes text: 'لازم زندگی را برای کجی تمیز کنید' and an image of a woman and a pack of cigarettes.

مراکز فروش: خیابان نادری - منازهای محبوبی - مدرسه مسودان چهارراه قوام السلطنه - انکو چهارراه فردوسی - ایران باستان - کیبیا - منازه بخور خیابان فردوسی - منازه بارت میدان بهارستان - شرکت اسکا خیابان سعدی مقابل پمپ بنزین - شرکت لورد خیابان شاهرضا - منازه ترا نه و هلال خیابان لاله زار - منازه لافایت - حق بین - کالای الکتریک ۱۷۷۴۰-۲

Advertisement for Papatropin Sii Be. Includes text: 'آقایان پز شکان محترم پاپاتروپین سلیب PAPTROPIN SII BE (فرس و آمبول) درمان قرحه ترشی و انواع دردهای ۵۰۰ و روده وارد شد - شرکت داروئی زمین - ناصر خسرو های معتبر ۱۷۷۲۶-۲'

Advertisement for a lamp. Includes text: 'بخاریهای شعله آبی درجه دار' and an image of a lamp.

Advertisement for Air France. Includes text: 'پرواز هفتگی هواپیمای سوپر کسنتلاسیون' and a map showing flight routes from Paris to Tehran.

Advertisement for a travel agency. Includes text: 'ارفرانس' and 'نیاساخته است'.

اطلاعات

مظفر ذوالقدر ضارب نخست وزیر

بقیه از صفحه ۳

تزدیک ساعت چهار و نیم بعد از ظهر بود که ناگهان یکی از کارمندان سراسیمه وارد سالن شد و بمدهای که مات و مبهوت ایستاده و هدیگر را نگاه میکردند گفت: چرا ایستاده اید مگر نینداید که نخست وزیر را در مسجد شاه تبرزه اند، بلند بشوید و برای اطلاع از چگونگی امر به مسجد بروید شاید در آنجا از حقیقت امر باخبر شوید. یکی دیگر از حاضرین گفت: چنین چیزی نیست اگر اینطور بود تا بحال خبر صحیحی بیا میرسد، شایعات را که نباید قبول نمود.

در این وقت هر کس اظهار عقیده ای میکرد و چون ناراحتی زاید الوصفی در حاضرین بوجود آمده بود هیچکس تصمیم بر رفتن به مسجد شاه نمی گرفت.

علاء آمد

این تردید و دو دلی حصار پیش از چند دقیقه بطول نیانجامید که خبر آمدن آقای علاء توسط دربان داده شد و بلافاصله آقای نخست وزیر در حالیکه سرشان با بانسلید بسته شده بود با اتومبیل از در وارد شدند پس از پیاده شدن بکراست بطرف اطاق کار خود رفتند.

چند دقیقه گذشته بود که عده ای از نمایندگان مجلسین و وزرا هم با عجله بنیستت وزیر آمدند. آقای ناصر ذوالقاری و بعد از او حمزادی که در مسجد با آقای نخست وزیر بود نیز جمع حاضرین بیوسنته و اعضای هیئت دولت یکی بعد از دیگری وارد کاخ نخست وزیر شدند.

حالت نخست وزیر چگونه است؟

آثار نگرانی و ناراحتی شدید در قیافه همه واردین دیده شد. هر کس که تازه از در وارد میشد بالوین کسکه میرسد با شتاب می پرسید: حال آقای نخست وزیر چگونه است؟ البته همه جوانها این بود: حال آقای علاء بسیار خوب است و جای هیچگونه نگرانی نیست.

حصار بعد از شنیدن این جواب نفس راحتی کشیده و شروع میکردند بترتیب کردن هر کس یک چیزی میگفت. مثلا یکی میگفت موقی که نخست وزیر را تیرزدند من در نزدیکی ایشان بودم و ضارب را گرفتم دیگری میگفت: من بلافاصله پس از اینکه دیدم نخست وزیر سرش خون آمد او را بدون اتومبیل برده و فوراً ایشان را برای پانسان رساندم...

خانم علاء آمد

در این هنگام که از هر گوشه سالن عده ای از وزرا و نمایندگان مجلسین مشغول صحبت کردن بودند، ناگهان دختر آقای علاء سراسیمه آذر وارد شدند و در حالیکه خیلی برافروخته و ناراحت بنظر میرسیدند به طرف اطاق کار آقای علاء رفتند. حاضرین هر کدام بسوی خانم دختر آقای نخست وزیر پیش میرفتند و خبر بیهوشی حال آقای نخست وزیر را بایشان می دادند ولی آثار ناراحتی آنقدر در ناپدیدگان زیاد بود که بدون توجه بصر حاضرین در اطاق نخست وزیر را باز کرده و وارد شدند و بیچرد اینکه دیدند آقای نخست وزیر در پشت میز بزرگ زرد رنگ نخست وزیری نشسته و مشغول انجام کارهایش می باشد از شدت شوق شروع بگریه نمودند.

دیگر وصف این صحنه از قلم نگارنده خارج است که چگونه احساسات پدری و فرزندی ظهور کرد و علاء بانو ایران دختر خود را در آغوش گرفته بود و هر دو صورت یکدیگر را غرق بوسه کردند.

بعد از رفتن خانم دختر آقای نخست وزیر بداخل اطاق، اعضای هیئت دولت و نمایندگان مجلس نیز وارد اطاق شده و از حال آقای نخست وزیر جويا شدند و بالنتیجه اطاق کار نخست وزیر غرق در احساسات و شادمانی شده بود.

آقای نخست وزیر مانند همیشه لبخندی بر لب داشت و در جواب حصار که می گفتند: « قربان خدا خیلی رحم کرد، خدا را شکر که بغیر گذشته گفت: من از روز اولی که قبول این مسئولیت بزرگ و خطیر را نمودم از هیچ چیز باکی نداشتم و فداکارم در مقابل ملت ایران مسئولیتی آن را دارم که باید بنحو احسن



نخست وزیر و رئیس ستاد کل ارتش از پنجره ترن که امروز صبح بسوی خرمشهر حرکت کرده اند.

این اصل پس از اینکه از وزن این شخصی که نامش گویا «ذوالقدر زنجانی» و از زرعای زنجان بوده است، جلوگیری نمودیم مأمورین رسیدند و او را گرفته و بردند.

سپس تیمسار سرتیپ صفاری و عده ای دیگر از آقایان فوری بطرف آقای علاء رفته و ایشان را بقل نموده بردند به شستان مسجد و بلافاصله رئیس بهداری بیارستان وزارت راه و یک دکتر دیگر که آنجا حضور داشتند سر آقای نخست وزیر را که در اثر وارد آمدن شربه شکاف بر داشته بود پانسان نمود و با اتومبیل ایشان را به بیارستان وزارت راه بردند.

در بیارستان نیز پس از اینکه معلوم گردید شربه وارده شدید بوده آقای علاء برای انجام کارها بکاخ نخست وزیر مراجعت نمودند.

علم به کلاتری رفت

بعد از اینکه ضارب بکلاتری محل برده شد آقای علم وزیر کشور نیز با آنجا رفته و دستور آیکه صادر می نمایند که باید کمال مراقبت در مورد محافظت از ضارب میندول کرد، تا بتوان ضمن بازپرسی از علت امر اطلاع حاصل نمود.



تیمسار سرلشکر آزموه دادستان ارتش و تیمسار سرتیپ بختیار فرماندار نظامی تهران از ضارب سئوالاتی در فرمانداری نظامی نمودند.

این بود مطالبی که آقایان محمودی - نبیل سیمی و حسن اکبر که در آنجا حضور داشتند بیان نمودند.

بعد از شرفیابی

بعد از اینکه آقای علاء بحضور اعلیحضرت هابونی شرفیاب شدند، از گوشه و کنار شنیده میشد که دیگر آقای نخست وزیر بکاخ نخست وزیر می آید، و ممکن است مستقیماً اسابت شود.

ضارب برای آنکه نیت شوم خود را عملی کند لوله هفت تیر را بالا بطور عسودی بطرف آقای علاء گرفت ولی خوشبختانه موقی نشد و بر اثر لرزش دست کلوله به بغلا رفت و به هیچکس دیگر اسابت ننمود و این از لطف الهی بود و بس.

سافرت به بندر

موضوع دیگری که در شب در نخست وزیر مود بحث حصار قرار داشت، رفتن آقای علاء به بندر بود که هر کدام از هم می پرسیدند آیا با این پیش آمد ایشان بسافرت بندر خواهند رفت یا خیر؟

همن فرمان انتخابات

دوره ۱۹ هجری شورای ایملی که امر و زهنتشتر شد

نظر اینکه بوجه باده پنجاه و سوم اسلامی قانون انتخابات مجلس شورای ملی مورخ دوازدهم شهریور ماه یکپزار و سیصد و چهار باید بنیجهه باخر هر دوره تقنینیه مقدمات کار انتخابات دوره بعد از ترتیل مپا کرد و نظر باینکه دوره هیجدهم قانون گذاری در تاریخ بیست و ششم فروردین ۱۳۳۵ پایان مییابد بنا به پیشنهاد جناب حسین علاء نخست وزیر امر و مقرر میفرمایم که وزارت کشور در تهیه مقدمات و وسایل انتخابات نایندگان دوره نوزدهم مجلس شورای ملی اقدام نماید و نظر باصل الحاقی به متمم قانون اساسی مصوب مجلس مؤسسان سال ۱۳۲۸ که تشکیل کنکره را برای یکبار لازم دانسته است در صورت تشکیل کنکره تصویب متعلقه آن در قسمتی که مربوط بدست دوره قانون گذاری است نیز میتواند بر حسب تصیم کنکره شامل دوره نوزدهم شود. بتاریخ بیست و ششم آبان ماه یکپزار و سیصد و سوم و چهار ۱۳۳۴

وزارت کشور

فرمان مطاع مبارک ملوکانه راجع به تهیه وسایل انتخابات دوره نوزدهم قانون گذاری ابلاغ میشود. قدغن فرماید در اجرای فرمان مطاع مبارک اقدام نمایند.

نخست وزیر - حسین علاء

فرمان مطاع مبارک ملوکانه راجع به تهیه وسایل انتخابات دوره نوزدهم قانون گذاری که شرح فوق تصدور یافته است برای اطلاع عموم اهالی آکمی و ابلاغ میشود.

وزیر کشور - اسدالله علم

فرمان انتخابات دوره ۱۹ مجلس شورای ایملی بشرح فوق امروز از طرف وزارت کشور منتشر شده است.

نخست وزیر و هیئت نمایندگان

ایران برای شرف کت در شرف رای بغداد عزیمت گردند

یک اسکورت مخفی ص برای حفظ جان نخست وزیر

از تهران بخرمشهر اعزام شد

ساعت ۸ صبح امروز نخست وزیر و اعضای هیئت نمایندگی ایران بسویله قطار مخصوص از ایستگاه راه آهن تهران بخرمشهر عزیمت کردند تا از آنجا ببنیاد رفته و در شورای نخست وزیران دول عضو بیمان بنیاد شرکت جویند جریان مشروح حرکت نخست وزیر در شماره فردا درج میشود.

در این مورد بعهده ای از حصار از جمله آقایان محمودی و حسن اکبر و نبیل سیمی تماس حاصل گردید و ایشان اظهار داشتند که در رفتن آقای علاء بنیاد هیچگونه تنبیری داده نخواهد شد و ایشان طبق برنامه ای که تنظیم شده است بسافرت خواهند رفت.

مقارن ساعت هفت بعد از ظهر کلیه حضار کاخ نخست وزیر و بری ارتک نمودند. در اینوقت خانم آقای علاء نیز از اطاق نخست وزیر بقصد عزیمت بسئول خارج شدند.

چند نفر از آقایان نمایندگان مجلسین با خانم آقای علاء مشغول صحبت کردن شدند و در مورد این پیش آمد مطالب مختلفی گفته می شد. خانم علاء موقی که از در کاخ واره جیاط شد به یکی از آقایان که بسا ایشان همراه بود گفت: تا حال چندین بار بعهده گفته ام که استفا بدو ولی قبول نکرده اما به از برگشتن از مسافرت بنیاد باید استغای خود را بدهد.

نماینده ای که خانم علاء بیهجان این مطالب را برای او بیان میکرد در جواب گفت: خانم سیاست این حرف ها را در این وقت قیاب بناید موجب انصراف هیچ کس از خدمت به مملکت نشود. بعد از آن بخت گذشت و آقای نخست وزیر بر اثر پیش آمدن این حادثه برای ادامه خدمات بسلسلت راغب تر شده اند.

بعد از این اظهارات خانم و دختر آقای علاء سوارا اتومبیل شده و بسئول رفتند چرا تیر اصابت نکرده بود؟ در مورد این عهلت اسابت نمودند

ضارب برای خود کفنی تهیه کرده بود و روی آن با رنگ قرمز آبیانی از قرآن و شاعرانهی نوشته وزیر لباس هایش بتن کرده بود.

لباس ضارب عبارت بود از یک کت آسای، یک وشلوار خاکستری که کاملاً نو بود در بازپرسی گفت که لباس هایش را دو سال پیش خریدم در صورتی که معلوم بود لباسها را صبح بیرو ز خریده بود.

روی کفن

چه نوشته بود؟

کفن او عبارت بود از یک بارچه سفید کوچک که در طرف آن بار یک قرمز عبارتی بشرح زیر نوشته بود:

« بیمان نظامی - قراداد افت و هر بیمان خارجی باید ملغی شود »

« قل هو الله احد... »

« احکام اسلام باید اجرا شود »

« قطع ابادی اجانب و دشمنان اسلام و ایران - انکلیس - امریکادوس »

« برقراریاد حکومت قرآن و واژگون یاد حکمت کفر و معیبت »

« الاسلام بملولایملی علیه »

« اسلام برتر از همه چیز و هیچ چیز برتر از آن نیست »

« ولا تصین الدین قتلوانی سبیل الله امواتا بل اجیاءاً عند ربهم برزقون... »

(یعنی کسانی که در راه پروردگار کشته میشوند مرده نیستند بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان با آنها نصبت داده میشود.)

اظهارات رئیس کلاتری پزار

آقای سرهنگ عباسعلی میرزایی رئیس کلاتری ۸ بازار بخبر نگار ما گفت: هنگامی که آقای نخست وزیر وارد مسجد شاه شدند من آقای سروان ترکمن افسر کلاتری دستور دادم که حرکت کند و من هم در طرف چپ ایشان حرکت کردم ضمناً بیرون کفتم هر جا نخست وزیر نشسته بوم آنجا

پنشین هنگامی که نزدیک شیشان رسیدم ناگهان صدای تیر بلند شد من مشاهده کردم که محمدخان (سروان ترکمن) زیر دست یک کتف زده و با او کلاویز گردید من هم فوراً خودم را رساندم و بسد از اینکه ضارب دستگیر شد آقای نخست وزیر را شیشان بردم و پشت گوش ایشان را که در اثر اصابت لوله بار اولم زخا شراش برداشته بود بستند و سپس ایشان را احاطه کردم و من بار اولم خود را بدست گرفتم و در پیشانی ایشان حرکت می کردم و هر کس جلو می آمد او را تهدید مینمودم تا اینکه آقای نخست وزیر از مسجد خارج گردید.

آنگاه به دستور ریاست کل شهربانی و آقای سرهنگ لوزانی ضارب را بشهربانی انتقال دادیم.

اظهارات سروان ترکمن

سروان ترکمن افسر کلاتری ۸ بازار که از اجرای نقشه ضارب با مهابت جلوگیری کرده است جریان واقعه را صبح امروز برای خبر نگار ما چنین توضیح داد:

در جلسه خان مسجد شاه ایستاده بودم که آقای نخست وزیر وارد مسجد شدند و من بدنبال ایشان حرکت کردم. در حیطه مسجد آقای سرهنگ میرزایی رئیس کلاتری هشت بین دستور داد که من در طرف راست حرکت کنم در نزدیکی طاری زیر ایوان آقای نخست با آقای دکتر امینی و یک نفر دیگر احوالپرسی کردند و سپس برای خود ادامه دادند و با سه نفر دیگر برخورد نمودند و شروع باحوالپرسی کردند.

در این هنگام مشاهده کردم که بار اولم از بالای سرم بلند شد و طرف سر آقای نخست وزیر فرود آمد من هم بلافاصله زیر دست حامل بار اولم زدم و لوله بار اولم را بدست گرفتم. به بار اولم در دست ضارب بود

تفسیر این واقعه

مخالف سیاسی و خبر نگاران خارجی مقیم تهران در ۲ ساعت اخیر درباره واقعه دیروز مسجد شاه تفسیرات مختلفی کرده اند ولی عقیده عموم بر اینستکه این حادثه که درست یازده ساعت قبل از مسافرت آقای علاء و هیئت نمایندگی ایران بنیاد اصوات گرفت فقط برای ممانعت از این مسافرت بوده و ضارب جمعیت متعصب باومینواخته که از مسافرت نخست وزیر بنیاد ممانعت

این اطلاعیه ۲ ساعت بعد از ظهر امروز از طرف فرمانداری نظامی در اختیار خبر نگار اطلاعات گذاشته شد: در بازجویی که از مظفر علی ذوالقدر ضارب جناب آقای نخست وزیر در فرمانداری نظامی بعمل آمد نامبرده خود را جزودسته فدائیان اسلام معرفی نمود و گفت: بنا به دستور نواب صفوی و برای اجرای احکام دینی بسوء قصد علیه آقای نخست وزیر مبادرت کرده ام.

آخرین خبر ساعت ۲ بعد از ظهر

تحقیقات از این شخص توسط دستگاه تحقیق فرمانداری نظامی ادامه دارد.

بدین وسیله فوت خواهر عزیزمان حضرت علیه خانم عزت الدوله صبیبه مرحومه متفرق منفرالذین شاه و بزرگ خاندان فرمانفرمایان فیروز و مادر آقایان محمدری میرزا فرمانفرمایان و سرلشکر محمد حسین فیروز را با اطلاع عموم خوبشان و دوستان میرساند بر حسب وصت آن مرحومه مجالس ترجمه منعقد نخواهد شد.

شکوه الدوله - فخر الدوله - عضد السلطان - محمدری فرمانفرمایان

چون مجلس ترجمه بر حسب وصیت حضرت علیه خانم عزت الدوله منعقد نیست فقط مجلس تذکره مردانه و زنانه روز شنبه ۲۷ آبان از ساعت سه بعد از ظهر در مسجد امثال الدوله (خیابان فخر آباد) برگزار میشود.

شکوه الدوله - فخر الدوله - عضد السلطان

محمدری فرمانفرمایان